



رشد آموزش

۱۹

دوره چهارم / شماره ۴ / تابستان ۱۳۹۲  
شمارگان: ۲۳۰۰ نسخه



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

فصل نامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی  
برای مربیان مراکز پیش‌دبستانی، دانشجویان و کارشناسان و والدین

E-mail: pishdabestani@roshdmag.ir  
www.roshdmag.ir

مدیرمسئول: محمدناصری  
سر دبیر: فرخنده مفیدی  
هیئت تحریریه:  
مرتضی مجدفر  
مرتضی طاهری  
فریده عصاره  
شیرین برزین  
مسعود تهرانی فرجاد  
مدیر داخلی: شهلا فهیمی  
ویراستار: ملیحه حجازی بخش  
طراح گرافیک: مهساقبایی

#### قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم:

● مقاله‌هایی را که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با آموزش پیش‌دبستانی مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنان‌چه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته و یا ماشین‌نویس شود (مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار ورد - Word - و بر روی لوح فشرده (CD) یا فلاپی و یا از طریق پست الکترونیکی مجله نیز ارسال شوند). ● نشر مقاله باید روان و از نظر دست‌نویس زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قرار گرفتن جدول‌ها، نمودارها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مجله در، رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان رشد آموزش پیش‌دبستانی نیست. بنابراین، مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است. ● مجله از عودت مطالبی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نمی‌شود، معذور است.

تلفن پیامگیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲

کد مدیر مسئول: ۱۰۲

کد دفتر مجله: ۱۱۳

کد امور مشترکین: ۱۱۴

تابستان فصل گل‌ها، زیبا شود همه جا ۲ / سر دبیر  
از پایتخت خاکستری به پایتخت سبز ۴ / اسمیه اسدی  
محتوای مناسب و انس کودکان با قرآن کریم ۸ / مسعود تهرانی فرجاد  
خلاقیت اجتماعی در کودکان پیش‌دبستانی ۱۰ / دکتر محبوبه البرزی  
رمزهای یادگیری ۱۴ / دکتر مرجان کیان  
گردش‌ها و مسافرت‌های علمی ۱۶ / دکتر مرجان گودرزی  
آرایش و گریم کودکان، بایدها و نبایدها ۱۸ / معصومه احمدزاده  
سهم ساختار در محدوده محتوایی زبان آموزی  
بازی، کار کودک است ۲۲ / علی حسینعلی پور  
کتاب‌درمانی با کودکان ۲۶ / اکرم صالح‌زاده  
تحلیل کاربردی نقاشی کودکان ۲۸ / سعید شایگان دوست  
معرفی کتاب ۳۲ / دکتر بیمان خادمی

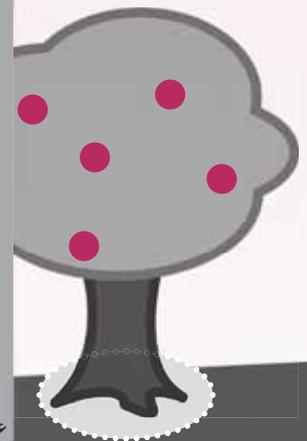
عکس روی جلد: اعظم لاریجانی  
پلاک ۲۶۶  
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵

تلفن: ۸۸۴۹۰۲۳۴ (داخلی ۴۲۹)

نشانی امور مشترکین: تهران، صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن: ۷۷۳۳۶۶۵۶ - ۷۷۳۳۶۶۵۵

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)



نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی،

# تابستان فصل گل‌ها، زیبا شود همه جا



سخنی با والدین و مربیان

خدمت خوانندگان وفادار و صمیمی فصل نامه رشد پیش دبستان سلام  
عرض می‌کنم و آرزوی توفیق و همکاری بیشتر را دارم.  
با فرا رسیدن فصل تابستان از یک سسو نوعی آرامش برای کودکان و خانواده‌ها پدید

می‌آید (زیرا کودکان طعم موفقیت و پیشرفت و رشد همه‌جانبه را  
چشیده‌اند) و از سوی دیگر نوعی دغدغه و دل‌مشغولی پدیدار می‌شود.  
دل‌مشغولی خانواده‌ها این است که در تابستان با فرزندان خردسال  
خود چه کنند، مادران شاغل که در تابستان نیز وقت کمی را  
در خانه هستند، مشکلاتشان بیشتر است. به نظر می‌رسد که  
با برنامه‌ریزی برای فصل گرما، این دوره را می‌توان شاد، پویا و  
راحت گذرانید. از وجود مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها غافل ننمایید  
که بر کتی بزرگ در کنار خردسالان هستند و می‌توانند با قصه‌ها  
و حرف‌های خوب و شیرین خاطرات ارزشمندی را برایشان باقی  
بگذارند. وجودشان واقعیتی همیشگی و رو به رشد است و احیای قصص  
و اشعار و بازی‌های بومی و محلی در چارچوب فرهنگ اسلامی ایرانی را نیز  
به‌دنبال دارد. بعضی از مراکز آموزشی نیز در طول تابستان برنامه‌های شادی‌بخش، متنوع و  
خلاق را برای کودکان تدارک می‌بینند. با زمان‌بندی متناسب می‌توان کودکان را با انواع بازی‌ها و تفریحات  
سالم سرگرم کرد. چنانچه خواهر و برادر بزرگ‌تری نیز در خانواده باشد، مراقبت و بودن در کنار آن‌ها تجربه  
و مسئولیت‌پذیری را برایشان شکل می‌دهد. به هر حال، نکته مهم در این حوزه این است که نباید تابستان  
را با آموزش‌های زود هنگام و فشرده یا ورزش‌های نامتناسب با جسم کودکان پر کرد و دنیای بازی و شادی  
کودکان را ملال‌آور ساخت و انگیزه و تحرک ذهنی و بدنی آن‌ها را کاهش داد. گردش‌های علمی، برنامه‌های  
خارج از شهر و حاشیه شهر و گشت و گذار برای کودکان در تعطیلات آخر هفته، لذت در کنار والدین  
بودن را همیشه افزون می‌کند. کودکان در هنگام با هم بودن می‌توانند مسئولیت‌پذیری و کسب تجربه و  
مهارت‌آموزی نیز داشته باشند و انرژی خود را به صورت مثبت صرف کنند و دوستانی صمیمی پیدا کنند که  
البته با آن‌ها خوش و راحت خواهند بود. در هر حال، والدین و مربیان می‌توانند از فرصت‌های تابستان استفاده  
کنند و فنون خوب گوش دادن، خوب حرف زدن و سؤال کردن، خوب حس کردن و درک زیبایی‌های  
طبیعی، دریافت مقررات و دیگر شناسی را به کودکان یاد دهند؛ زیرا کودک در محیط‌های غیر رسمی بهتر و  
سریع‌تر می‌آموزد.



### اینجا، یاسوج ساعت...

از روی نقشه‌ای که در دست داریم، محل استان را پیدا می‌کنیم. در امتداد رشته کوه‌های زاگرس از شمال شرقی به سمت جنوب غربی استان، ارتفاع کوه‌ها و مقدار بارندگی و رطوبت هوا به‌طور محسوسی کاسته می‌شود و مشخصات اقلیمی دوگانه‌ای را پدید می‌آورد؛ یک منطقه سردسیری و یک منطقه گرمسیری.

بادهای موسمی که به باد شمال و باد جنوب معروف‌اند، می‌وزند. اینجا بادهای هم برای خود اسم و رسم دارند! باد آشوب، باد حیران، باد چوغان و...

به یاسوج رسیده‌ایم، ساعت خواب رفته و زمان را به وقت تهران نگه داشته است. راستش آن قدر همه چیز در اینجا زنده است که دلت می‌خواهد سر به دامن طبیعت بگذاری و به‌خواهی عمیق فرو روی!

در سومین سفر استانی مجله رشد پیش دبستان، به مهد حکومت هخامنشیان و زادگاه پادشاهان دوران باستان سفر کردیم؛ در دیار آریو برزن، سرزمین کوه‌های بلند و دشت‌های سبز. در استان کهگیلویه و بویراحمد که حدود ۱۳۰ مرکز پیش دبستانی و ۳۵۰۰ نوآموز دارد، بر آن شدیم تا از نزدیک با مربیان و دانش‌آموزان پیش دبستانی دیدار کنیم و ضمن بازدید از مراکز پیش دبستانی استان در نشستی صمیمی با مشکلات مربیان آشنا شویم. گروه ما متشکل از سردبیر، مدیر اجرایی و اعضای شورای برنامه‌ریزی مجله رشد پیش دبستانی بود. به مرکز استان، شهر یاسوج یا همان شهرستان بویراحمد رفتیم که شنیدنی‌های بسیار از این «پایتخت طبیعت ایران» و شهر «چهار فصل» اشتیاق ما را برای دیدن آنجا دوچندان می‌کرد. در این گزارش، شما را به دیدنی‌ها و شنیدنی‌های بسیار دعوت می‌کنیم.

### از تهران تا یاسوج

همیشه وقتی زمان سفر کردن فرا می‌رسد، اضطراب دستپاچه‌ت می‌کند؛ مدام چمدان و لیست کارهایت را وارسی می‌کنی؛ نکند چیزی سر جایش نباشد، فراموش شود یا همه چیز آن‌طور که می‌خواهی پیش نرود. با تمام این احوال بالاخره دل به جاده می‌سپاری و سفر دسته‌جمعی، نگرانی را از دلت بیرون می‌کند. نگاهی به خانم سردبیر می‌اندازی که با لبخندی مصمم تو را به لبخند وامی‌دارد و نگاهی به جاده که هر چند طولانی است، اما زیبایی بکرش چشمانت را بازتر از همیشه نگه می‌دارد. از هوای آلوده تهران و سرو صدهای وحشتناک خداحافظی می‌کنیم و به یک دیار سبز سلامی بلند اهدا می‌کنیم.



گزارش سفر استانی مجله رشد پیش دبستانی به استان کهگیلویه و بویراحمد

# از پایتخت خاکستری به پایتخت سبز

سمیه اسدی





سردبیر مجله رشد پیش دبستانی، استاد دانشگاه علامه طباطبایی و مؤلف کتاب‌های بسیاری برای نوآموزان را باعث افتخار جمع دانست و شرکت کنندگان را به شنیدن صحبت‌های ایشان که پر از نکات و لطایف تربیتی و آموزشی بود، دعوت کرد.

خانم دکتر مفیدی هم پس از آمدن به جایگاه، از دست‌اندر کاران تشکر کرد و ضمن ابراز خوشحالی از حضور در میان مربیان گفت: «امیدوارم ما هم از تجربیاتی که شما از نزدیک با بچه‌ها داشته‌اید، چیزهای زیادی را یاد بگیریم».

وی در ابتدای صحبت‌هایش با اشاره به اینکه سؤالات بسیاری در زمینه تربیت کودکان مطرح است، برای بهره‌مندی بیشتر از زمان، سؤالات کلیدی را براساس اولویت بیان کرد. از جمله آن‌ها خصوصیات و نیازهای کودکان در مراکز پیش دبستانی، کارهایی که باید برای آن‌ها صورت گیرد، شیوه‌های آموزشی، طریقه ارتباط مربیان با خانواده‌ها که مصرف کنندگان آموزشی هستند و چگونگی پاسخی که مربیان به جامعه آموزشی می‌دهند.

سردبیر مجله رشد مجموع صحبت‌های خود را پیرامون سه بحث تقسیم‌بندی کرد؛ بحث اول، تحقیقاتی که ضرورت‌های آموزش پیش دبستانی را بیان می‌کند؛ بحث دوم، رویکردها و شیوه‌های آموزشی کودکان و بحث سوم، معرفی و چگونگی تعامل با مجله رشد پیش دبستانی.

### ● بحث اول؛ ضرورت‌های آموزش

#### پیش دبستانی

خانم دکتر مفیدی در پاسخ به این سؤال که آیا کودکان بهره‌مند از آموزش پیش دبستانی با کودکانی که این امکان را

بودند و به آن بابا می‌گفتند، یا مامان و «من» در این مراکز ما شاهد شخصیت‌یابی مستقل در بچه‌ها بودیم. آن‌ها خیلی راحت با هم کنار می‌آمدند، کارهای شخصی‌شان را انجام می‌دادند و با همراهی یکدیگر «به هم کمک کردن» را یاد می‌گرفتند.

بچه‌ها خیلی شیرین‌تر از آن بودند که بتوان از دنیایشان به آسانی خداحافظی کرد! اما ما باز هم کار داشتیم و این بار باید به دنیای مربیان‌شان سلام می‌کردیم.

### نشست برگزار شده است؛ چرا ایستاده‌ای؟!

اصلاً فکرش را نمی‌کردیم! از حضور آن همه مربی در سالن غافلگیر شده بودیم. جمع کردن و هماهنگ کردن آن‌ها طی دو روز، حقیقتاً کار مشکلی بود که گروه پیش دبستانی استان کهگیلویه بویراحمد به‌خوبی آن را به سرانجام رسانده بود. تمام صندلی‌ها یکی‌یکی پر شدند و در نهایت خبرنگار بی‌خبر! (یعنی من) مجبور به ایستادن!

طبق روال همه نشست‌ها و برنامه‌ها اکثریت مطلق! خانم‌ها بودند. بعضی خانم مربی‌ها با بچه‌های چند ماهه و بعضی با بچه‌های خردسال خود حضور داشتند.

پس از مراسم افتتاحیه نشست، خانم مجری با تشکر از تمام مربیان و گفتن خیرمقدم به آن‌ها تأکید کرد که حضور مجله رشد پیش دبستانی تنها به منظور بیان محتوای آموزشی و تربیتی است و در حوزه مسائل دیگر از قبیل استخدام و رسمی شدن و... پاسخگو نیست. (کم‌کم باورمان شده بود که سفرهای استانی ما مشکل‌گشا هستند!) او با ابراز خرسندی از حضور مهمانان، حضور خانم دکتر مفیدی،

«کجایی؟ ما که برای خواب نیامده‌ایم! طبیعت ندیده!»

از خواب می‌پریم! راست می‌گفت کلی کار برای انجام دادن داریم و کلی دید و بازدید!

### چشم... چشم... دو ابرو

با هماهنگی‌هایی که از قبل انجام شده بود، به بازدید از دو مرکز پیش دبستانی در شهر یاسوج رفتیم. تقریباً فضای حاکم بر هر دو یکسان بود، کلاس‌ها با موقت کف پوش شده بودند و بچه‌ها انگار که در خانه نشسته‌اند، مشغول بازیگوشی و نقاشی کشیدن بودند. در کلاس‌های مرکز بعدی، میز و صندلی‌های کوچک پلاستیکی ما را به یاد مهدهای خودمان در تهران می‌انداخت و بچه‌هایی که با لباس‌های یکدست کنار هم نشسته‌اند و خمیربازی می‌کنند. اولین مرکز، وابسته به جامعه القرآن بود و نام زیبای امام حسن مجتبی (ع) را بر خود داشت. این مرکز ۲۹۲ دانش‌آموز در دو نوبت صبح و بعدازظهر داشت. از آن‌ها پرسیدیم که با مجلات رشد آشنایی دارند فهمیدیم که هیچ یک از مجله‌های رشد به دستشان نمی‌رسد. باعث تأسف بود و هست که مرکزی با این تعداد نوآموز، از محتواهای آموزشی و تربیتی مجلات ما بهره‌مند نیست.

سپس به مرکز غیرانتفاعی صبح امید رفتیم که تعداد کمتری از بچه‌ها را پوشش می‌داد؛ حدود ۵۱ نوآموز که از سر و کول هم بالا می‌رفتند. آن قدر دیدن شیطنت‌های کودکانه برایمان جذاب بود که نفهمیدیم زمان چگونه از دستمان در رفت. «چشم، چشم، دو ابرو...» شعری که چند نسل با آن نقاش شده‌اند و نقش ساده یک آدم که آن را روی خط‌خطی‌های ظاهر نامفهومی کشیده

ندارند، تفاوت‌هایی دارند یا خیر و ماهیت این تفاوت از نظر آموزشی، اجتماعی، روانی و شخصیتی چیست؟ بیان داشت: «امروزه، دنیا به مسائل از دریچه شخصیتی می‌نگرد و به‌گونه‌ای به نیازها و خصوصیات انسان نگاه می‌کند که گویا انسان تنها فردی است که عشق به یادگیری و دانستن دارد و می‌تواند خودسازی کند. حال ما چگونه می‌توانیم به این معرفت بها دهیم و شخصیت‌سازی کنیم و انسان‌های محترم‌تری به دنیا تحویل دهیم؟»

### در رویکردهای کودک محور، کودکان مطیع شما نیستند؛ خود، اندیشه‌ورزی می‌کنند و موضوع آموزش با خودشان آغاز می‌شود



دکتر فرخنده مفیدی

وی در پاسخ به سؤالی که مطرح کرد، ادامه داد: «انسان امروزی موجودی فرامرزی است؛ یعنی فقط به خانه و جامعه ما متعلق نیست. سرنوشت او به سرنوشت بسیاری از انسان‌های دیگر که در تلاش‌اند، گره خورده است. بنابراین برای پاسخ به تفاوتی که بین فرد آموزش‌یافته در این مراکز و فرد دیگر وجود دارد، باید به تجربیات محیطی و اجتماعی خودمان و همچنین متغیرهای تحقیقی نظر بیفکند.»

سردبیر مجله رشد خطاب به مربیان، با اشاره به پایداری و دوام آموزش در دوران کودکی و تفاوت عمده موجود میان این دسته از نوآموزان با دیگران گفت: «تحقیقات در سطح دانشگاهی، اجتماعی، بین‌المللی و تطبیقی نشان دهنده تغییرات عمده، مثبت

و بسیار پرباری است که از زاویه آموزشی نشان می‌دهد کودکانی که به این مراکز راه یافته‌اند، چنانچه مدت ماندگاری‌شان بیشتر باشد و ساعات بیشتری را تحت آموزش‌های کیفی و برنامه‌های غنی قرار بگیرند، از نظر تحصیلی - که عمده‌ترین شاخص‌هایش خواندن، نوشتن، حساب کردن و درک مفاهیم علمی است - نسبت به دیگران تفاوتی برجسته دارند. این امتیاز بالایی است که در سرنوشت تربیتی، موفقیت و خوشبختی آن‌ها نقش بسزایی دارد.»

خانم دکتر مفیدی با بیان اینکه ملاک تربیت گرفتن نمره بالا نیست، مقصود اصلی حاصل از تحقیقات را میل به دانستن، عطش برای یادگیری، قدرت درک، تحلیل مفاهیم و همچنین خلاقیت‌های بیشتر و بهتر نسبت به دیگران قلمداد کرد. همچنین این مقصود را در گرو بهره‌مندی مراکز از امکانات و سطح کیفی مطلوب دانست که حاصل برنامه‌های هدفمند، عینی و سرشار باشد و مربیانی حمایت و تربیت آن‌ها را بپذیرند که آگاه و علاقه‌مند به دانش‌افزایی باشند.

وی با مهم خواندن دوره کودکی، که از آن با عنوان **دوره شخصیت‌سازی** یاد کرد، شکل‌پذیری شخصیتی در ابعاد مختلف رفتاری، روانی و هیجانی را از خصوصیات این دوره خواند و در توضیح هوش هیجانی گفت: «ما باید طوری تربیت کنیم که هیجان‌ها (غم، نگرانی، شادی و دغدغه‌ها) قابل کنترل باشند. اکثر مشکلاتی که در دوران بزرگسالی و نوجوانی پیش می‌آید، به دلیل عدم کنترل هیجانات است که زمان مشاوره به‌عنوان راه‌حل پیشنهاد می‌شود، که البته آن موقع قدری دیر شده است.»

دکتر مفیدی در ادامه برای کنترل هیجانات در کودکی تصریح کرد: «وظیفه ماست که در کنار آموزش‌ها و محتوای غنی که به کودکان می‌دهیم، هیجانات

آن‌ها را نیز کنترل کنیم و برای این کار، باید به درکی از آرزوها، شادی‌ها و غم‌های آن‌ها رسیده باشیم. تحقیقات جدید نشان می‌دهد بچه‌هایی که به این مراکز راه می‌یابند، قدرت کنترل بیشتری بر هوش هیجانی خود دارند و افرادی مقاوم‌تر، مستقل‌تر و بااراده‌تر هستند که می‌توانند از پس ناملایمات برآیند.»

سردبیر مجله رشد پیش‌دبستانی با دعوت به خودشناسی و شناخت قابلیت‌ها، خطاب به مربیان گفت: «امروز مربیگری حرفه‌ای شاخص در دنیا است. به‌عبارت بهتر، از مربیگری به‌عنوان حرفه‌ای یاد می‌کنند که دارای جایگاه بسیار ارزشمندی است. مربیان اولین کسانی هستند که بعد از پدر و مادر، با تجربیات و مشاهدات کودکان آشنا می‌شوند و این چیز کمی نیست. فارغ از هرگونه نگرش‌هایی که در اطرافیان است، باید به خودتان ببالید که اولین مربی انسان‌های کوچک هستید. احساس خوبی نسبت به کارمان داشته باشیم و جزء کسانی باشیم که به شغل خود افتخار می‌کنیم.» خانم دکتر مفیدی در ادامه ضمن تأکید بر یادگیری از بچه‌ها افزود: «تغذیه‌کننده ما تجربیاتی است که از بچه‌ها داریم. تراوشات فکری ما بیشتر از مشاهدات در برخورد با بچه‌ها نشئت می‌گیرد.»

### ● بحث دوم؛ رویکردهای آموزشی

سردبیر مجله رشد پیش‌دبستانی، در آغاز بحث دوم ضمن تأکید بر طبقه‌بندی شیوه‌های آموزشی و بررسی معایب و محاسن هر یک، به مقایسه دو شیوه مربی‌محوری و کودک‌محوری پرداخت و در توضیح خصوصیات این دو شیوه گفت: «در شیوه مربی‌محور، محور اصلی آموزش، خود مربی است که خودش طرح سؤال می‌کند، خودش پاسخ می‌دهد و خودش ارزشیابی و تصمیم‌گیری می‌کند. مربی سخنگوی

همچنین از مریبان حاضر دعوت کرد که با ارسال خاطرات و دیدگاه‌هایشان با مجله رشد پیش دبستانی تعامل بیشتری داشته باشند.

### بند آخر

خسته نباشید! به بند آخر گزارش رسیدیم. پس از صحبت‌های خانم دکتر مفیدی کارشناس عضو شورای برنامه‌ریزی مجله به سؤالات مکتوب مریبان پاسخ دادند و بدین ترتیب نشست فصل‌نامه با پرسش و پاسخ خاتمه یافت. رشد پیش دبستانی هم از استان کهگیلویه و بویراحمد عازم موطن خود، همان تهران پرازدحام با آسمان خاکستری شد.

دلمان برای آن همه طبیعت تنگ می‌شود! اما چه کنیم که این بند آخر است و گزارش ما هم باید به انتها برسد. شاید در سفر بعد به استان شما بیاییم و با هم یک چاق سلامتی حسابی داشته باشیم (اگر عمری باقی باشد).  
تا دیدار نزدیک! بدرود...

و به آن‌ها فرصت داده می‌شود تا در فرایند آموزش خود را نشان دهند و از پاسخ غلط نمی‌هراسند. ما به آن‌ها فرصت می‌دهیم تا به راه‌های دیگر بیندیشند و به تفکر واداشته شوند؛ بدون اینکه به درست و غلط بودن پاسخ خود و تنبیه شدن فکر کنند. نگاه ما در کنار کودک محوری دیدگاه مشارکتی و تعاملی است. به عبارت بهتر، ما در فرایند یادگیری با کودکان فرصت تعامل و مشارکت فکری و روانی را به مخاطبان و خودمان می‌دهیم و محیطی سرشار از شادی و نشاط را پدید می‌آوریم. محیطی که کودکان در آن از یادگیری لذت می‌برند و خسته نمی‌شوند.»

### ● بحث سوم؛ معرفی فصل‌نامه رشد پیش دبستانی

خانم دکتر مفیدی در بخش پایانی صحبت‌هایش با اشاره به تفاوت رشدهای دانش آموزی با رشد پیش دبستانی، در مورد بخش‌های مختلف فصل‌نامه و اهداف و سیاست‌های کلی آن توضیحاتی داد.

مطلق است و فرصتی برای چالش، صحبت و اندیشیدن به کودکان داده نمی‌شود. در این شیوه، نگاه این است که انسان‌هایی تربیت شوند که صرفاً تابع باشند. این بچه‌ها چشم به چشم و دهان شما دوخته‌اند. آن‌ها در این نظام آموزشی محکوم‌اند که حاصل آن، انسان‌های خلاق و نوآور نیست. البته شاید حسن روش مربی محوری این باشد که کودک فقط از شما یاد می‌گیرد و فرصت نمی‌کند از دیگران بیاموزد و این برای سیستم آموزشی مقرون به صرفه است، اما در این شیوه در سطوح بالاتر، به دلیل پختگی انسان تحت تعلیم، معلم مورد سؤال و چالش قرار می‌گیرد.

اما در رویکردهای کودک محور، کودکان مطیع شما نیستند؛ خود، اندیشه‌ورزی می‌کنند و موضوع آموزش با خودشان آغاز می‌شود. در واقع شما هادی و هدایتگر آن‌ها هستید. آن‌ها می‌توانند خودارزیابی و دیگرارزیابی داشته باشند، صاحب‌اراده، سلیقه و تصمیم‌گیری هستند



## اشاره

«یکی از پرسش‌ها و دغدغه‌های اساسی مربیان و دست‌اندرکاران در دوره پیش‌دبستان درباره ویژگی‌های یک محتوای مناسب در زمینه فعالیت‌های قرآنی و میزان اثربخشی آن در مانوس شدن کودکان با قرآن کریم است. زیرا مربی پیش‌دبستانی به‌خوبی می‌داند که بین محتوای مناسب و انس کودک با قرآن کریم پیوندی معنادار وجود دارد.

در سال‌های اخیر که برنامه و فعالیت‌های آموزشی و پرورشی دوره پیش‌دبستان به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسیده، همواره تلاش مربیان دلسوز بر آن بوده است که در چارچوب این برنامه، محتوایی مناسب در زمینه قرآن کریم و با هدف انس و علاقه انسان به قرآن کریم در اختیار کودکان خویش قرار دهند. ضمن ارج نهادن به همه این تلاش‌ها، این نوشتار سعی دارد تا به برخی از ویژگی‌های مهم محتوای مناسب در برنامه و فعالیت‌های قرآنی برای کودکان پیش‌دبستانی بپردازد.»

### کلیدواژه‌ها: انس با قرآن، فعالیت‌های قرآنی و شیوه تلفیق.

تمامی اجزا، برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی و پرورشی باید به‌طور منطقی و علمی برای فراگیرندگان مناسب باشد و زمینه‌های علاقه به فراگیری را در آن‌ها مورد توجه قرار دهد. این موضوع در فعالیت‌های قرآنی از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا در حوزه فعالیت‌هایی از این دست همواره باید بر علاقه و جنبه‌های عاطفی بیش از جنبه‌های شناختی و آموزشی تأکید شود. اگر کودک در یادگیری مفاهیم ارزشی و تربیتی احساس لذت و موفقیت نکند، دل‌زده می‌شود و این امر در آینده، آثاری نامطلوب در نگرش وی پدید می‌آورد. به‌همین جهت است که رویکرد برنامه‌ها و فعالیت‌های قرآنی در برنامه مصوب «انس عموم کودکان با قرآن کریم» است. در این برنامه این‌گونه تصریح شده است که فعالیتی مناسب است که زمینه‌های آشنایی، علاقه و ارتباط کودک با قرآن کریم را فراهم آورد. این علاقه در صورتی محقق می‌شود که یادگیری را برای فراگیرنده لذت‌بخش کند و محتوای مناسب از عوامل مؤثر در این علاقه‌مندی است. باتوجه به درهم تنیدگی آموزش‌ها در دوره پیش‌دبستان، لازم است محتوای آموزشی به‌گونه‌ای باشد که عموم کودکان بتوانند در شرایطی مطلوب و به دور از الزام و اجبار، با محتوای مورد نظر ارتباط مؤثر برقرار کنند تا زمینه انس ایشان با قرآن کریم فراهم شود.

### سازمان‌دهی محتوای فعالیت‌های قرآنی

در تدوین و سازمان‌دهی محتوای فعالیت‌های قرآنی باید به قلمروهای مختلف



# محتوای مناسب و انس کودکان با قرآن کریم

مسعود تهرانی فرجاد

انس با قرآن کریم توجه شود. قلمرو، برنامه یا شیوه‌ای است که زمینه آشنایی و ارتباط فرد را با قرآن کریم فراهم می‌آورد. در برنامه مصوب مذکور در ذیل هدف کلی این برنامه مبنی بر «علاقه به قرآن کریم و یادگیری آن» آمده است که این هدف از طریق قلمروهای زیر می‌تواند محقق شود.

گوش دادن به قرائت زیبا و جذاب آیات و الگوگیری از آن، حفظ برخی آیات و سوره‌های کوتاه، آشنایی با برخی آموزه‌های ساده و کاربردی، شنیدن داستان‌های قرآنی، علاقه به خواندن قرآن به شیوه کلی خوانی و شناخت کلی از قرآن کریم.

در این هدف تصریح شده است که «علاقه‌مند شدن کودک به قرآن کریم» بر «یادگیری» آن مقدم

با توجه به یافته‌های علمی در روان‌شناسی، کودکان ۵-۶ ساله پذیرای آموزش‌های اجباری و الزام‌آور نیستند. بنابراین، هر نوع برنامه و محتوایی که برای کودک طراحی و تهیه شود؛ باید از الزام و رسیدن به حد خاصی از یادگیری به‌دور باشد



### ● فعالیت محور بودن محتوا

محتوا زمانی مؤثر است که با نگرش کودک محور تهیه و تنظیم شود. به این ترتیب که ضمن بهره‌گیری از تصاویر، رنگ‌های جذاب و مناسب، بر مشارکت و فعال بودن کودک در فرایند یاددهی - یادگیری توجه جدی داشته باشد؛ تا آنجا که کودک سهم بسیار زیادی در جای‌جای محتوا داشته باشد. استفاده از فعالیت‌هایی مانند وصل کردن، جورچین، نقاشی کردن، برش دادن، برچسب و... زمینه بروز عواطف و شناخت ظرفیت‌های کودک را فراهم می‌کند و کودک را به فراگیری فعال، بانشاط و مشتاقانه و نه صرفاً دریافت کننده و غیرفعال تبدیل می‌کند.

### ● عدم تأکید بر دستیابی به حد خاصی از یادگیری

با توجه به یافته‌های علمی در روان‌شناسی، کودکان ۶-۵ ساله پذیرای آموزش‌های اجباری و الزام‌آور نیستند. بنابراین، هر نوع برنامه و محتوایی که برای کودک طراحی و تهیه شود؛ باید از الزام و رسیدن به حد خاصی از یادگیری به‌دور باشد. آموزش نمادها و حروف برای خواندن از این نوع است، زیرا به‌طور خواسته یا ناخواسته بر حد خاصی از یادگیری (آموزش حروف و حرکات) تأکید دارد.

### ● تناسب حجم محتوای قلمروها با یکدیگر

تنوع و درهم‌تنیدگی قلمروهای انس با قرآن کریم از مهم‌ترین ویژگی‌های یک محتوای مناسب است که با وجود آن کودکان در شرایطی کاملاً عادی و به دور از افراط و تفریط در تنظیم حجم قلمروها در قالب محتوایی مناسب به کمک مربی مجرب و توانا از طریق تلفیق متوازن و متنوع قلمروها با قرآن کریم آشنا می‌شوند و این آشنایی به‌طور طبیعی زمینه‌ساز علاقه و ارتباط و انس ایشان با قرآن کریم خواهد بود. از این رو در محتوا همواره باید بین قلمروهای متفاوت تعادل و توازن باشد؛ در غیر این صورت آن محتوا مناسب نیست.

### ● شکل و قطع ظاهری محتوا

چون کودک نگاهی عینی دارد، محتوا باید از نظر تصاویر، صفحه‌آرایی، طرح روی جلد انتخاب رنگ‌ها، قطع (رحلی) و حجم تعداد صفحات (برای هر جلد حدود ۵۰ صفحه) مناسب و جذاب باشد. نقش تصاویر به مراتب بیش از متن نوشتاری است. از این رو باید از نظر هنری و بصری محتوا برای کودک خوشایند باشد. در این زمینه باید از هنرمندان و تصویرگران مجرب استفاده شود و واقعاً از ارائه اثرهای ضعیف پرهیز گردد. امید است با انتخاب و تهیه محتواهای جذاب و مناسب، زمینه‌های انس هر چه بیشتر کودکانمان را با قرآن کریم فراهم سازیم.

است. به‌عبارت دیگر، در ارائه قلمروهای گفته شده همواره باید به‌جای تأکید بر جنبه‌های آموزشی، به علاقه‌مندی و لذت‌بخش بودن محتوا برای عموم کودکان توجه شود. به‌همین جهت در برنامه مصوب در سازمان‌دهی محتوا «تلفیق» قلمروها اولویت و ضرورت دارد.

«شیوه تلفیق» ترکیبی متوازن از قلمروهای پیش گفته است. این شیوه از آن جهت انتخاب شده است که در برنامه مصوب انس با قرآن کریم، دستیابی به حد خاصی از یادگیری مدنظر نیست. به‌عبارت دیگر، بر علاقه‌مند شدن کودکان بیش از آموزش دیدن آن‌ها تأکید دارد.

### چند ویژگی مهم محتوا در زمینه انس کودکان با قرآن کریم



## مقدمه

تفکر خلاق در دوران معاصر ضرورتی انکارناپذیر در رویارویی با مسائل مختلف و حفظ سلامت روان است (البرزی، ۱۳۸۹). تغییر و تحولاتی که در تعریف خلاقیت و مفاهیم مربوط به آن از دهه ۱۹۵۰ ایجاد شد، بسط مفهوم خلاقیت به حیطه‌هایی فراتر از حیطه شناختی از جمله حیطه‌های عاطفی، اجتماعی، اخلاقی و غیره را موجب گردید. در این میان، خلاقیت اجتماعی با توجه به تأکیدی که بر بروز افکار خلاقانه در حیطه روابط اجتماعی دارد، نقش بسزایی در سلامت روان به‌ویژه در جوامع جمع‌گرا و آسیایی دارد که به ارتباطات و تعاملات اجتماعی اهمیت می‌دهند. خلاقیت اجتماعی مفهومی پیچیده و چند بعدی است که برخی نظریه‌پردازان در سال‌های اخیر با معانی متعدد برای شمول خلاقانه افراد در حوزه‌های اجتماعی به کار برده‌اند (ماچیراد و لوبارت، ۲۰۰۲؛ جان استاینر، ۲۰۰۰). ماچیراد و لوبارت (۲۰۰۲) معتقدند که خلاقیت اجتماعی روش‌های خلاقانه تعامل کودکان با دیگران است. پژوهش‌های متعددی در خصوص چگونگی تعاملات اجتماعی میان کودکان و حل مسائل اجتماعی از سوی آنان انجام گرفته است. برخی از آنان به بررسی آموزش‌های مهارت‌های اجتماعی، شناختی و عاطفی بر حل مسائل اجتماعی پرداخته است (ماچیراد و لوبارت، ۲۰۰۲)؛ برخی بر توانایی‌های خاص کودکان که به تعاملات آنان در روابط اجتماعی کمک می‌کند، متمرکز شدند (فاگوت، ۱۹۹۸)؛ برخی بر عواملی همچون شایستگی‌ها، قابلیت‌ها، اسنادات بیرونی و درونی، عواطف و برانگیزنده‌هایی که بر توانایی‌های حل مسئله اجتماعی کودکان تأثیر دارد (مانسو، ۲۰۱۰) بر نقش توان بالقوه اجتماعی و باورهای کودکان در حل مسائل اجتماعی آنان تأکید دارد. فقدان توانایی حل مسئله در موقعیت‌های اجتماعی به‌ویژه در تعامل با کودکان دیگر پیامدهایی نامطلوب چون کاهش شایستگی، استفاده از راهبردهای نامؤثر حل مسئله، شرمندگی و خجالت دارد. نلسون و همکاران (۲۰۰۵) نتایج مشابهی کسب کردند. علاوه بر این، پژوهش‌هایی نیز توانایی‌های حل مسئله اجتماعی را در کودکان براساس تفاوت‌های جنسیتی مورد بررسی قرار داده‌اند و معتقدند که دختران و پسران جهت‌گیری‌های متفاوتی برای حل مسائل و مشکلات در روابط اجتماعی دارند.

نیاز به پرورش تفکر خلاق در کودکان برای رویارویی با مسئله و حل آن در موقعیت‌های گوناگون اجتماعی، شناختی و هیجانی ضرورتی انکارناپذیر است. در این خصوص، هدف از پژوهش حاضر بررسی خلاقیت اجتماعی در کودکان پیش‌دبستانی است. بدین منظور ۳۵ کودک پیش‌دبستانی به‌صورت در دسترس انتخاب شدند. خلاقیت اجتماعی براساس روش پیشنهادی ماچیراد و لوبارت (۲۰۰۲) ارزیابی شد. روایی و پایایی ابزار مورد استفاده بررسی و مطلوب به دست آمد. نتایج حاصل از تحلیل‌های آماری حاکی از آن بود که میان ابعاد خلاقیت اجتماعی کودکان تفاوت‌های معناداری وجود دارد. همچنین خلاقیت اجتماعی دختران و پسران تفاوت معناداری را به نفع دختران نشان داد. در نهایت، متغیرهای جمعیت‌شناختی مربوط به مادران، به‌ویژه تحصیلات و سن، پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار خلاقیت اجتماعی کودکان بود.

**کلیدواژه‌ها: خلاقیت اجتماعی، کودکان پیش‌دبستانی و مادران.**

دکتر محبوبه البرزی  
استادیار دانشگاه شیراز

# خلاقیت اجتماعی در کودکان پیش‌دبستانی





## کودکانی که خلاقیت اجتماعی بیشتری نشان می دهند، برای حل مسائل اجتماعی آمادگی بهتری دارند

پایایی آن به روش آلفای کرونباخ (۰/۹۰) محاسبه شد.

### نتایج

نتایج تحلیل‌های آماری نشان داد که برای پاسخگویی به پرسش نخست پژوهش از روش آماری اندازه‌گیری مکرر استفاده شده است و تفاوت معناداری در ابعاد خلاقیت اجتماعی کودکان وجود دارد. بر این اساس، جنبه سیالی در مقایسه با انعطاف‌پذیری و جنبه انعطاف‌پذیری میانگین بیشتری نسبت به اصالت نشان داد. (جدول ۱)

گفتنی است که تحلیل محتوای پاسخ‌های آزمودنی‌های مورد بررسی حاکی از آن بود که پاسخ‌های کودکان بیشتر بر مبنای خریداری محبت و باج دادن به دیگران برای حل مشکل است.

برای پاسخگویی به پرسش دوم پژوهش مبنی بر بررسی تفاوت‌های آماری بین خلاقیت اجتماعی در دختران و پسران از روش آماری تی تست برای گروه‌های مستقل استفاده شد. نتیجه حاکی از آن بود که بین خلاقیت اجتماعی پسران و دختران تفاوت معناداری در نمره کل و جنبه سیالی به نفع دختران وجود دارد (جدول ۲).

دختران بیش از پسران به تعارضات کلامی وارد می شوند و راه‌حل‌های سازگارانه را بیشتر می پذیرند، در مقایسه با پسران شایستگی بیشتری در موقعیت‌های اجتماعی نشان می دهند و راهبردهای آنان کمتر از پسران خشونت فیزیکی و کلامی دارد (نقل از ماچیراد و لوبارت، ۲۰۰۲). ماچیراد و لوبارت در پژوهش خود دریافتند که تفاوت‌های سنی بین سیالی و اصالت در خلاقیت اجتماعی کودکان وجود دارد. در مقایسه سه گروه سنی ۶ تا ۷، ۸ تا ۹ و ۱۰ تا ۱۱ سال محققان مذکور نشان دادند سیالی و اصالت کودکان سنین بالاتر بیشتر است. با توجه به اهمیت خلاقیت در زندگی فردی و اجتماعی کودکان، به ویژه خلاقیت اجتماعی که مبنای ارتباطات اجتماعی و سلامت روان را در بزرگسالی تشکیل می دهد، پرداختن به پژوهش‌هایی که به شناخت و پرورش آن کمک کند، ضروری می نماید. بر این اساس، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به پرسش‌های زیر است.

- خلاقیت اجتماعی در کودکان پیش دبستانی چگونه است؟

- آیا بین خلاقیت اجتماعی دختران و پسران تفاوتی معنادار وجود دارد؟

- کدام یک از متغیرهای سن، تحصیلات و وضعیت اشتغال مادران پیش‌بینی کننده بهتری برای خلاقیت اجتماعی کودکان پیش دبستانی است؟

### روش

#### شرکت کنندگان و طرح پژوهش

جامعه پژوهش تمامی کودکان دوره پیش دبستانی در شهر شیراز بود. تعداد ۳۲ کودک پیش دبستانی به صورت در دسترس برای پژوهش انتخاب شدند.

### ابزار

ابزار مورد استفاده برای سنجش خلاقیت اجتماعی روش پیشنهادی ماچیراد و لوبارت (۲۰۰۲) بود. محققان مذکور برای سنجش خلاقیت اجتماعی کودکان سه موقعیت اجتماعی فرضی را مطرح می کنند که کودکان باید حداکثر پاسخ‌ها را برای حل مسئله در هر سه موقعیت ارائه کنند. نمره گذاری پاسخ‌های کودکان بر اساس روش پیشنهادی ماچیراد و لوبارت (۲۰۰۲) و آزمون خلاقیت تورنس بود و سه جنبه سیالی، انعطاف‌پذیری و اصالت در پاسخ‌ها نمره گذاری شد. مدت زمان مصاحبه برای هر کودک بین ۱۵ تا ۳۰ دقیقه بود. روایی ابزار به صورت محتوایی (نظر متخصصان تعلیم و تربیت) و

جدول ۱: مقایسه ابعاد خلاقیت اجتماعی کودکان پیش دبستانی

ابعاد	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	سطح معناداری
سیالی	۲۳/۲۵	۰/۴۸	۲	۰/۰۱
انعطاف‌پذیری	۲۰/۱۸	۰/۳۵		
اصالت	۱۸/۱۷	۰/۳۲		
نمره کل	۲۰/۲۵	۰/۷۸		

کدام یک از انواع متغیرهای مستقل سهم بیشتری در خلاقیت اجتماعی دارند، از ضریب رگرسیون (بتا) استفاده شد. از مقایسه ضرایب مشاهده گردید که در مجموع متغیرهای سن و تحصیلات از قدرت پیش‌بینی کنندگی مثبت و معناداری برخوردارند (جدول ۳). نتایج ارزیابی ویژگی‌های کودکانی که در آزمون خلاقیت اجتماعی نمره بالاتری کسب کرده بودند، نشان داد که معلمان آن‌ها را کودکانی شادتر، باهوش‌تر، رهبر و نوعی دستیار خود معرفی می‌کرده‌اند.

### بحث و بررسی

هدف از پژوهش حاضر بررسی خلاقیت اجتماعی در کودکان پیش‌دبستانی بود. نتایج پژوهش حاکی از تفاوت در ابعاد و چگونگی بروز تفکر خلاق در کودکان پیش‌دبستانی است. از سوی دیگر، تفاوت‌های معناداری در خلاقیت اجتماعی پسران و دختران نیز به‌دست آمد و همچنین نقش متغیرهای جمعیت‌شناختی مادران بر خلاقیت اجتماعی نیز مورد تأیید قرار گرفت. نتیجه به‌دست آمده از پژوهش حاضر با تحقیق ماچیراد و لوبارت (۲۰۰۲) و مانسور (۲۰۱۰) همسو بود. درخصوص نقش والدین نیز نتیجه پژوهش با تحقیقاتی که پیرامون خلاقیت شناختی صورت گرفته است، همسویی دارد؛ از جمله در پژوهش البرزی (۱۳۸۶؛ ۱۳۸۹). از آنجا که خلاقیت اجتماعی در تعاملات و ارتباطات اجتماعی تأثیر بسزایی دارد، نقش پرورش و تقویت آن در بهزیستی و سلامت روان کودکان چشمگیر است. همان‌گونه که هوش در حوزه‌ها و حیطه‌های مختلفی بروز می‌کند و توانمندی‌هایی ویژه به افراد می‌دهد، خلاقیت اجتماعی نیز نوعی توانمندی در برخورد با مسائل اجتماعی ایجاد می‌کند که تأثیر بسزایی در سلامت روان افراد دارد. کودکانی که از خلاقیت اجتماعی برخوردارند، اعتمادبه‌نفس بیشتر و خودپنداری مثبت‌تری دارند که به آنان در مقابله و رویارویی با محیط و مسائل گوناگون آن کمک می‌کند. (ماچیراد و لوبارت، ۲۰۰۲) در تبیین نتایج به‌دست آمده می‌توان گفت افزایش سن، تعامل ویژگی‌های شناختی و

برای بررسی پرسش سوم، مبنی بر آنکه کدام یک از متغیرهای جمعیت‌شناختی مادران پیش‌بینی کننده معنادار خلاقیت اجتماعی در کودکان هستند، از روش تجزیه و تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه هم‌زمان استفاده شد. در نتایج ضریب همبستگی چندگانه معادل با  $R=0/42$  به دست آمد که نشان دهنده این مطلب است که متغیرهای دموگرافیک مادران با خلاقیت اجتماعی کودکان همبستگی دارد. ضریب تعیین برابر با  $R^2=0/18$  محاسبه شد که بیانگر این است که هجده درصد از واریانس خلاقیت اجتماعی از طریق متغیرهای جمعیت‌شناختی مادران قابل توضیح است. برای تشخیص اینکه

**والدین تحصیل کرده با توجه به میزان آگاهی و شناختی که از آنان انتظار می‌رود، می‌توانند تسهیل کننده خلاقیت در حوزه‌های مختلف در فرزندان باشند**





جدول ۲: مقایسهٔ خلاقیت اجتماعی در دختران و پسران

ابعاد	میانگین	انحراف استاندارد	درجهٔ آزادی	مقدار تی	سطح معناداری
سیالی	۲۳/۲۵	۰/۴۸	۳۰	۲/۳	۰/۰۱
انعطاف پذیری	۲۰/۱۸	۰/۳۵		۱/۲	Ns
اصالت	۱۸/۱۷	۰/۳۲		۰/۸۸	Ns
نمرهٔ کل	۲۰/۲۵	۰/۷۸		۲/۶۸	۰/۰۱

جدول ۳: نتایج رگرسیون چند متغیرهٔ خلاقیت اجتماعی روی متغیرهای دموگرافیک مادران

متغیر	خلاقیت اجتماعی			
	P	Beta ضریب	R <sup>۲</sup>	R
تحصیلات مادر	۰/۰۱	۰/۲۵	۰/۱۸	۰/۴۲
سن مادر	۰/۰۵	۰/۱۸		
اشتغال مادر	Ns	۰/۰۹		

شناختی و انگیزشی آنان، «روانشناسی معاصر»، دورهٔ پنجم، شمارهٔ ۲، ۱۳۸۹.

- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). «The “What” and “Why” of Goal Pursuits»: Human Needs and the Self - Determination of Behavior. *psychological Inquiry*, Vol. 11, No. 4, pp.227-286.
- Fagot, B.I. **Social problem solving: Effect of context and parent sex.** «International Journal of Behavioral Development» 22, 389-401. (1998).
- Mouchiroud, C., & Lubart, T. I. **Social creativity: A cross-sectional study of 6- to 11- Year old children.** «International Journal of Behavioral Development», 26, 60 - 69. (2002).
- Manseau, M.C. **Measuring Perceptions of Social Potential: The Development of an Instrument Assessing Children’s Perceived Potential for Improving Social Skills.** «A dissertation submitted in partial satisfaction of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in Education in the Graduate Division of the University of California», Berkeley. (2010).
- Nelson, L. J., Rubinson, K. H. & Fox, N. A. **Socials and non-social behaviors and peer acceptance: a longitudinal model of the development of self perceptions in children 4 to 7 years.** *Early Education & Development*, 20, 185 -200 (2005).

تجارب اجتماعی کودکان فرصت بروز توانمندی‌هایی جدید را به آنان می‌دهد که این امر در تعامل با ویژگی‌های محیطی به‌ویژه خانواده منجر به افزایش یا کاهش خلاقیت در کودکان می‌شود. والدین تحصیل کرده با توجه به میزان آگاهی و شناختی که از آنان انتظار می‌رود، می‌توانند تسهیل‌کنندهٔ خلاقیت در حوزه‌های مختلف در فرزندان باشند. البرزی (۱۳۸۶) در رسالهٔ دکتری خود بر نقش و جایگاه والدین در پرورش خلاقیت فرزندان به‌ویژه دختران تأکید کرد. دسی و ریان (۲۰۰۲) در نظریهٔ خودتعیینی به نقش عوامل محیطی تأثیرگذار بر پیامدهای رفتاری مطلوب از جمله خلاقیت، سازگاری، حل مسئله و پیشرفت تحصیلی تأکید دارند. ارضای نیازهای اساسی شایستگی، تعلق و خوداستقلال در تعاملات محیطی نقش چشمگیری در بروز افکار خلاقانه در حوزه‌های مختلف ایفا می‌کند. بسته به اینکه نیازهای کودکان در مواجهه با موقعیت‌های اجتماعی چگونه پاسخ داده شود، تمایلات آنان برای تداوم و حفظ فعالیت افزایش یا کاهش می‌یابد.

روابط اجتماعی و حل مسائل اجتماعی به‌صورت خلاقانه در کودکان برای حفظ سلامت و رشد و پیشرفت آنان تأثیر بسزایی دارد. بدیهی‌ترین مسائل در روابط اجتماعی برای کودکان یک مسئله محسوب می‌شود. بنابراین، کودکانی که خلاقیت اجتماعی بیشتری نشان می‌دهند، برای حل مسائل اجتماعی آمادگی بهتری دارند. بر این اساس پیشنهاد می‌شود با توجه به حجم کم نمونه و محدودیت ابزار، در پژوهش‌های آتی با ابزارهای متعدد، موقعیت‌های متفاوت اجتماعی و گروه‌های نمونه وسیع‌تر تحقیق انجام شود. همچنین، آگاه‌سازی والدین از اهمیت خلاقیت اجتماعی، چگونگی بروز آن و پرورش آن اهمیت فراوانی دارد.

#### منابع

- البرزی، محبوبه؛ تبیین واسطه‌گری باورهای انگیزشی در مدل خلاقیت کودکان با رویکرد به متغیرهای خانوادگی، مدرسه‌ای و باورهای اسنادی در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی. رسالهٔ دکتری، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۶.
- البرزی، محبوبه؛ رابطهٔ سبک‌های ارتباطی معلمان با خلاقیت شناختی دانش‌آموزان براساس باورهای



برای مثال، وقتی که شما به‌عنوان

مربی:

- به کودک یاد می‌دهید که کفش‌هایش را مرتب کند، در واقع به او کمک کرده‌اید که حرکات راست به چپ چشم‌هایش را که بعدها هنگام مطالعه نیاز دارد، تقویت کند!
- به کودک کمک می‌کنید تا اسباب‌بازی‌هایش را در سبد مخصوص قرار دهد، این کمک شما مهارت‌های مورد نیاز حافظه دیداری کلمات هنگام خواندن را توسعه می‌دهد.
- برنامه‌ای تقویمی را پیگیری می‌کنید، با این کار آموزش زمان و وقت را تقویت کرده‌اید!
- اجازه می‌دهید که کودک میز ناهار را بچیند، آگاهی فضایی مورد نیاز برای حل مسائل جمع و تفویق در ریاضیات را برای مراحل بعد فراهم کرده‌اید!

## رشد کودکان متناسب با آهنگ حرکت خودشان

در حالی که شناخت رهنمودها و ویژگی‌های کودکان در سنین مشخص به‌عنوان راهنما برای مربیان ضروری است، اغلب مربیان و والدین نگران این مسئله هستند که کودک آن‌ها نمی‌تواند همان کاری را انجام دهد که کودک همسن وی می‌تواند انجام دهد. مثلاً نمی‌تواند اعداد را جمع بزند؛ با وجود این که از نظر رشد شناختی و اجتماعی کودک طبیعی است! در چنین وضعیتی مربیان باید از والدین بخواهند که به کودک خود، فرصت کافی برای رشد و پیشرفت را بدهند. دانستن این کلمه که کودکان با سرعت پیشرفت خودشان رشد می‌یابند و رشد هر کودک متناسب با آهنگ حرکت خود آن کودک است، برای مربیان و والدین اصلی مهم و ضروری است.

## اشاره

بهترین مربیان پیش‌دبستانی می‌دانند که کودکان سه تا شش سال ویژگی‌هایی دارند! آن‌ها می‌دانند که کودکان چگونه فکر می‌کنند، بازی می‌کنند و یاد می‌گیرند. لازم است مربیان دوره پیش‌دبستان پیش از این که شگردها و راهبردهای آموزشی خوبی را بیاموزند، نحوه رشد کودکان و انتظاراتی که در این دوره از آن‌ها می‌رود را به‌خوبی بشناسند.

کلیدواژه‌ها: یادگیری، مغز، کودک و مربی.



ترجمه: دکتر مرجان کیان  
استادیار دانشگاه خوارزمی

# رمزهای یادگیری کودکان

شناخت رشد کودک در تمام دوره کار حرفه‌ای مربی به وی کمک می‌کند. به‌گونه‌ای که مربیان با استفاده از روش‌های گوناگون می‌توانند براساس چگونگی رشد کودکان به فعالیت‌های روزانه کودکان غنا ببخشند.



**احساسات است.** بیشترین احساسات در یک فعالیت یا آموزش این حالت است که کودکان یاد خواهند گرفت. کودکان از طریق حواس بسیار می‌آموزند. لمس کردن اشیاء برای کودکان حسی بسیار جالب و خوشایند است.

**• کودکان پیش دبستانی حافظه‌ای بسیار قوی درباره‌ی داستان‌ها دارند.** در مقابل، برای اصطلاحات نامربوط یا پراکنده حافظه‌ی محدودی دارند. حتی تمرین و کاربرد گنجینه‌ی لغات نیز به آن‌ها برای یادآوری فهرست تصادفی از اصطلاحات کمک چندانی نمی‌کند. بنابراین، درک و فهم نحوه‌ی یادگیری کودکان مبنایی است برای مربیان تا بتوانند بهترین روش‌های آموزشی را طراحی کنند. مربیان از طریق شناخت کارکرد مغز کودکان، میزان و نوع یادگیری حافظه‌ی آن‌ها و آگاهی از آن چه برای مغز کودکان مطلوب یا نامطلوب است، می‌توانند در آموختن و کسب تجارب کودکان، موفق و متفاوت عمل کنند.

به عبارت دیگر، براساس آن چه اشاره شد، مربیان می‌توانند روش‌های آموزشی را برگزینند که به کودکان احساس امنیت بدهد، از حواس کودکان برای یادگیری بیشتر کمک بگیرند، آوازه‌ها و ترانه‌هایی را به آن‌ها آموزش دهند که کودکان با خواندن آن‌ها لذت ببرند. از تکرار خواسته‌های کودکان خسته نشوند و با آن‌ها همراه و همدل باشند.

#### پی‌نوشت

1. Lev Vygotsky
2. Brain Based Learning

#### منابع

1. Holewa, Lisa and Rice Joun (2008); What Kindergarten Teachers Know, Published by the penguin Group (USA) Inc.

شایان ذکر است که گاهی آموزش استانداردها باعث می‌شود این حقیقت نادیده گرفته شود که همه‌ی کودکان، نمی‌توانند تمامی مهارت‌ها را در یک محدوده‌ی سنی مشخص در خود رشد دهند! بنابراین، مربیان باید آگاه باشند که کودکان در سنین مشخص، متناسب با سرعت پیشرفت خود رشد می‌یابند و همه به‌طور یکسان و مشابه، پیشرفت نمی‌کنند. اولین گام برای یک مربی در دوره‌ی پیش دبستان شناخت توانایی‌های کودکان است. اما یاری کردن مربی به کودکان برای گوش دادن، یاد گرفتن و همکاری کردن آن‌ها با سایر کودکان جز گام‌های بعدی برای یک مربی خوب محسوب می‌شود.

## رشد مغز و یادگیری کودکان

مربیان دوره‌ی پیش دبستانی به‌منظور پایه‌ریزی محیط یادگیری و تعامل با دانش‌آموزان، بر نحوه‌ی کار و رشد مغز کودکان و این که آن‌ها چگونه یاد می‌گیرند، تکیه دارند. بسیاری از پژوهش‌هایی که امروزه به مربیان در این زمینه یاری می‌رساند، به فعالیت‌های روان‌شناس معروف روسی **لیو ویگوتسکی**<sup>۱</sup> برمی‌گردد که در دهه‌ی ۱۹۲۰ میلادی روی رشد شناختی کودکان کار می‌کرد. اما مطالعات بر روی عملکرد مغز رشته‌ای جدید است و در دهه‌ی ۱۹۸۰ به اوج خود رسید. به گونه‌ای که نشان داد می‌تواند برای کلاس درس، ابزار تدریس مفیدی محسوب شود.

بسیاری از «یادگیری‌های مغز-محور»<sup>۲</sup> درباره این که آیا بازی و موسیقی می‌توانند در یادگیری مهارت‌های ریاضیات برای کودکان مؤثر و مفید باشند، بحث دارند. با وجود این درک نحوه‌ی یادگیری کودکان که می‌تواند برای مربیان در مراکز پیش دبستان و والدین در خانه‌ها به‌طور گسترده‌ای مفید باشد، اکنون بسیار قابل قبول و مورد تأیید است.

## نکاتی اساسی در زمینه‌ی نحوه‌ی یادگیری مغز محور در کودکان

**• کودکان به احساس امنیت برای یادگیری نیازمندند.** این عبارت فقط امنیت جسمانی را که البته بسیار ضروری است، شامل نمی‌شود. منظور از احساس امنیت آن است که کودک بداند کسی از او مراقبت می‌کند یا کسی حواسش به وی است. این احساس امن به معنای واقعیت دانستن اینکه بعدها چه انتظاری از کودک وجود دارد و درک و فهمیدن انتظار دیگران از سوی کودک است. به عبارت بهتر، کودکانی که احساس امنیت می‌کنند، خطرپذیرتر هم می‌شوند.

**• مغز تکرار را دوست دارد.** این نکته‌ی مهم دلیل آن است که کودکان می‌خواهند داستانی تکراری بشنوند؛ شعری تکراری را بخوانند یا بازی مورد علاقه‌شان را تکرار کنند.

**• کودکان نحوه‌ی انجام دادن امور جدید را از طریق تماشای تلویزیون یاد می‌گیرند.** آن‌ها نمی‌توانند چگونگی انجام دادن امور جدید را از طریق شنیدن آموزش‌ها بیاموزند. کودکان به تمرین و ممارست واقعی و عینی فعالیت‌های مهم نیاز دارند.

**• مغز بهترین‌ها را یاد می‌گیرد.** به‌ویژه زمانی که بین دوره‌های آرام و فعال، تعادل برقرار باشد. کودکان به بیدار شدن، دیدن، پریدن، لی‌لی کردن و چرخیدن نیاز دارند. جنبش و تحرک مغز را برمی‌انگیزاند.

**• مغز موسیقی و ریتم را دوست دارد.** کودکان می‌توانند از طریق آوازه‌ها و ترانه‌ها که به فریاد مغز و ذخیره کردن اطلاعات کمک می‌کند، یاد بگیرند.

**• یک روش گسترده و کامل برای دستیابی به مغز جوان کودکان از طریق**

گاه به صورت طبیعی غیرممکن است. بعضی دیگر از معلمان کودکان را به گردش علمی در مکان‌های مشابه می‌برند. فرق بین گشت‌وگذار<sup>۱</sup> و گردش علمی<sup>۲</sup> در دو نکته است:

۱. فعالیت‌هایی که در کلاس و مراکز آموزشی قبل از انجام سفر صورت می‌گیرد.

۲. تصور و ادراک کودکان درباره چستی و چرایی انجام دادن این‌گونه فعالیت‌ها و دلیل رفتن به چنین مکان‌هایی و استفاده از منابع اجتماعی مختلف خارج از محیط‌های آموزشی.

همان‌گونه که دانشمندان قبل از انجام کارهای علمی، معمولاً هدف و مقصدهای خود را در نظر دارند یا وقتی که یک معمار برای حفر و کاویدن محلی خاص تصمیم می‌گیرد و راهبرد خود را قبلاً تعیین می‌کند، ما مربیان نیز باید کودکان را در تلاش برای جست‌وجو، کنجکاوی و کسب تجربه به صورت منظم هدایت کنیم. برای مثال، برای انجام دادن یک کار تحقیقی مراحل زیر دنبال می‌شود:

۱. توجه به پیشینه تحقیق؛
۲. شناخت شفاف و واضح هدف و مقصود انجام کار؛
۳. طرح سؤال‌های مشخص یا مسائلی که امید به پاسخ دادن به آن‌ها داریم.

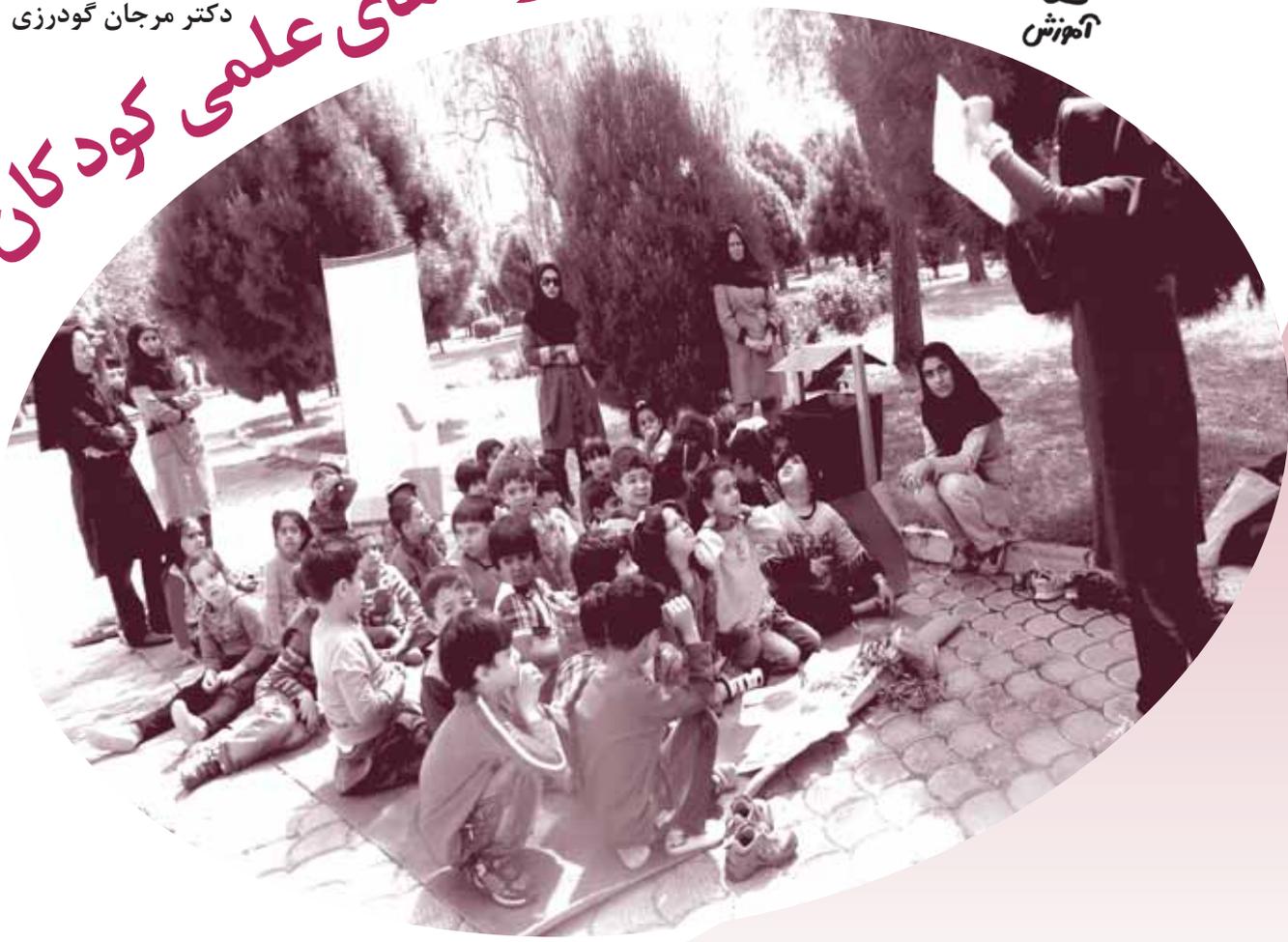
### اشاره

بسیاری از ما تجربه همراهی با کودکان در گشت‌وگذار و مسافرت و گردش‌های علمی را به نوعی داشته‌ایم. کودکان به چه مقاصدی از منابع اجتماعی بهره می‌برند و این فرصت‌ها تا چه حد می‌توانند به یادگیری و کسب تجربه کیفی آن‌ها بینجامند؟ چه تدابیری در این مشاهدات باید اندیشیده شود و چه فعالیت‌هایی باید صورت گیرد؟ هم‌اکنون که فصل تابستان است، شما برای فرزندان خود چه برنامه‌هایی از این دست در نظر دارید؟ چه کنیم که تجربه‌ای زیبا برای کودکان به وجود آید و خطرات کاهش یابند؟

بعضی از معلمان کودکان را به گشت‌وگذار و مشاهده خارج از محیط آموزشی، موزه‌ها، کتابخانه، ایستگاه آتش‌نشانی، نانوایی‌ها، بازار میوه و تره‌بار و مواردی مانند آن می‌برند که می‌تواند فرصتی بسیار غنی و با کیفیت را برای آن‌ها فراهم آورد. چنین تجربه‌هایی را غالباً نمی‌توان در محیط‌های بسته کلاس به دست آورد و تکرار آن‌ها

# گردش‌ها و مسافرت‌های علمی کودکان

کلیدواژه‌ها: گردش، مسافرت علمی کودکان، کودکان.  
 دکتر مرجان گودرزی





**حتی اگر از طرف مدرسه مجوزهایی برای پوشش دادن به تمامی گردش‌های علمی و سفرها و اردوها از ابتدای سال و برای کل سال تحصیلی به خانه‌های کودکان ارسال شده باشد، باز هم لازم است قبل از هر سفر و خروج کودکان از مرکز مجوز ویژه ارسال شود و والدین از برنامه مدرسه کاملاً آگاه باشند**

## کلیدواژه‌ها: گردش

علمی، مسافرت، والدین، محیط‌های آموزشی.

به‌همین منوال، چنانچه دانش‌آموزان و کودکان شما قرار است به یک گردش علمی بروند (رفتن به نانوایی)، باید به سؤال‌های مشخص و از پیش تعیین‌شده‌ای مجهز باشند تا در این فرصت به پاسخ آن‌ها برسند. مثلاً: «آیا نانوا خودش آرد را تهیه می‌کند یا گندم را آسیاب می‌کند؟».

– «آیا نانوا از آردهای موجود در فروشگاه‌ها استفاده می‌کند یا آرد او از نوع خاصی است؟»

کودک با داشتن سؤال‌های مشخص که قبلاً در ذهنش شکل گرفته است، درک واضح و روشنی از دلیل آمدن به نانوایی را پیدا می‌کند. دانش‌آموزان و کودکان مراکز پیش‌دبستانی احتمالاً از کسب تجربه و یادگیری چیزهایی که از قبل به آن‌ها فکر نکرده‌اند نیز لذت خواهند برد ولی بهتر است دلیل رفتن به مکان تازه را بدانند و درباره رفتن به آنجا در کلاس بحث کوتاهی صورت گیرد تا آن‌ها آمادگی لازم را پیدا کنند و برای دریافت پاسخ سؤال‌های خود اشتیاق بیشتری داشته باشند.

## گشت‌وگذار ساده با گردش علمی چه تفاوتی دارد؟

گشت‌وگذار و گردش علمی می‌تواند ارزش سنجش‌ناپذیری در آموزش و پرورش کودکان داشته باشد، اما بسیاری از معلمان و مربیان با تجربه در عین حال می‌توانند داستان‌هایی ناراحت‌کننده را درباره خطاها و لغزش‌هایی که در این اوقات رخ می‌دهد به یاد آورند؛ از جمله گم شدن کیف و وسایل بعضی کودکان، گم کردن راه، از دست رفتن پول غذای کودکان، لغزیدن پای کودکی و افتادن او در آب یا از پله و مواردی مانند آن.

این‌گونه مشکلات پیش‌بینی نشده می‌توانند باعث ناراحتی و ترس و وحشت شوند یا خاطراتی تلخ و ناخوشایند را در کنار بسیاری از زیبایی‌ها و دانستنی‌های کودکان و مربیان بر جای بگذارند.

علاوه بر این، گاه کودکان تصور می‌کنند که مقررات و قوانین مخصوص کلاس و محیط آموزشی هستند و در مورد فعالیت‌های خارج از مدرسه مانند گردش‌های علمی و تفریحی و گشت‌های ساده کاربرد ندارند، در صورتی که این تصور به مشکلات نظم‌بخشی منجر خواهد شد.

ممکن است هیچ تضمینی هم در تعمیم قوانین وجود نداشته باشد؛ ولی هر چه هدف و مقصود از گردش علمی به شکل واضح‌تری با کودک در میان گذاشته شود، احتمال کاهش مشکلات در زمینه نظم و مقررات بیشتر خواهد بود. همچنین، پیش‌سازماندهی و طراحی از قبل این‌گونه فعالیت‌های خارج از محیط آموزشی می‌تواند بعضی از مشکلات منطقی مرتبط با نظم و مقررات را هنگام سفرها و گردش‌های علمی با کودکان، برطرف سازد.

## توصیه‌های ضروری

- موافقت اداری را قبل از اعلام سفر به کودکان اخذ کنید و در نامه مربوط، محل اردو یا سفر و گردش علمی را دقیقاً قید کنید؛ حتی اگر قصد رفتن به باغ‌وحش را دارید!
- تا حد امکان، برنامه سفر یا گردش علمی کودکان را برای روزهای تعطیل برنامه‌ریزی نکنید. چون در این روزها معمولاً پیگیری فوری بعضی از امور دشوارتر است.
- از قبل با والدین کودکان ارتباط برقرار کنید. در این صورت، بسیاری از فعالیت‌ها با مشورت و آگاهی آن‌ها دقیق‌تر صورت می‌گیرد و نیز به آن‌ها فرصت می‌دهید تا چنانچه تمایل دارند کاری ویژه انجام دهند. بنابراین، انتظارات خود را درست در لحظه عزیمت با آن‌ها در میان نگذارید. بهتر است قبل از رفتن به خانه‌های کودکان یادداشت یا نامه‌ای برای والدین آن‌ها ارسال کنید که حاوی نکات زیر باشد:
  ۱. انتظاراتی که از والدین دارید تا آن را انجام دهند؛
  ۲. مقرراتی که با کودکانشان برای این مدت در میان گذاشته‌اید؛
  ۳. هرگونه اطلاعات ضروری و مهم دیگر؛
- مسئولیت افراد شرکت‌کننده یا همراه با کودکان را از قبل مشخص کنید؛ مثلاً ثبت وقایع، جمع‌آوری اشیاء ضروری برای انجام اردو، عکس‌برداری، نوشتن نامه تشکر و قدردانی به افراد ذی‌ربط و حفظ و نگهداری وسایل و تمیزکاری و نظافت.
- اگر به‌عنوان مربی به سلیقه و انتخاب خود محلی را برای گشت‌وگذار یا سفر انتخاب می‌کنید، سعی کنید مکانی تأثیرگذار و جذاب برای کودکان باشد. آگاه باشید که اگر شما از بودن در محلی خاص خسته و کسل می‌شوید، مسلماً بچه‌ها هم تا حدود زیادی این احساس را پیدا خواهند کرد.
- سعی کنید همه کودکان کلاس را همراه ببرید. درست نیست که به‌عنوان تنبیه، یا به‌دلیل ایجاد مشکلی در محیط آموزشی، کودکانی خاص را از سفر یا گردش علمی محروم کنید. چنین کاری رنجش و آزرده‌گی عمیقی در آن‌ها به‌وجود می‌آورد که هرگز نمی‌توانید بر آن فائق آید و جبران‌ش کنید.
- حتی اگر از طرف مدرسه مجوزهایی برای پوشش دادن به تمامی گردش‌های علمی و سفرها و اردوها از ابتدای سال و برای کل سال تحصیلی به خانه‌های

کودکان ارسال شده باشد، باز هم لازم است قبل از هر سفر و خروج کودکان از مرکز مجوز ویژه ارسال شود و والدین از برنامه مدرسه کاملاً آگاه باشند.

● برای نظارت بر کودکان و اداره کودکان و اداره کردن آن‌ها افراد کافی و مسئولیت‌پذیر در اختیار داشته باشید. به‌همین منظور لازم است برای هر گروه پنج نفره از کودکان، علاوه بر مربی یک فرد بزرگسال حضور داشته باشد. برای انجام دادن بعضی کارها مثل ضبط ویدئویی یا عکس‌برداری از فعالیت‌ها، یک فرد دیگر یا یکی از والدین را همراه ببرید تا با فراغ‌بال بیشتری بتوانید به کودکان توجه و همه فعالیت‌ها را هدایت کنید.

● از برچسب نام علامت مدرسه برای شناسایی کودکان استفاده کنید. انجام دادن این کار برای کودکان خردسال بسیار ضروری است و باعث می‌شود که افراد ناظر و اداره‌کننده، آن‌ها را با اسم بخوانند و شناسایی کنند.

● از بردن کودکان با وسیله نقلیه خصوصی خودداری کنید؛ زیرا خطرات حقوقی و قانونی مانند پوشش بیمه، اشکالات فنی خودرو و غیره از امور قابل ملاحظه‌اند.

● از همراه داشتن جعبه کمک‌های اولیه، خلاصه‌ای از اطلاعات پزشکی کودکان مثل داشتن انواع حساسیت‌ها، شماره تلفن‌های لازم از جمله تلفن اورژانس و خانه‌های کودکان، اطمینان حاصل کنید.

● سعی کنید گزارش سفر و جمع‌بندی فعالیت‌ها را به‌همراه کودکان انجام دهید؛ زیرا همانند بسیاری از موارد آموزشی و یادگیری آنچه بعد از گردش علمی و سفر و اردو رخ می‌دهد، به اندازه آنچه در محل یا قبل از آن رخ می‌دهد، اهمیت دارد.

● پس از سفر و هر فعالیت خارج از مرکز آموزشی با کودکان، سعی کنید برای همه والدین و کسانی که در این مورد با شما همکاری داشته‌اند، یادداشت تشکر و قدردانی ارسال کنید.

به هر حال آمادگی‌های قبل، در حین کار و بعد از هر فعالیت با کودکان از مسئولیت‌های مهم مدیران و مربیان محسوب می‌شوند. از بردن کودکان به مغازه‌ها، بانک، نانواپی و محله‌های قدیم، اداره پست، ایستگاه آتش‌نشانی و نظایر آن غفلت نکنید. هر جا که می‌روید، پیاده، با ماشین یا هر وسیله دیگر اطمینان حاصل کنید که کودکان دلیل رفتن را می‌دانند. در غیر این صورت، آنان گردش‌های علمی، سفرها و اردوها را همچون دیگر روزهای خارج از مدرسه تلقی می‌کنند که این تأثیر سازنده‌ای نخواهد داشت.

پی‌نوشت

1. Tour
2. Field trips

## اشاره

زیبایی جزئی از فطرت بشر است. استفاده فارغ از جنس، دین و نژاد به زیبایی گرایش دارد. در روایات متعدد آمده است پیامبر اسلام (ص) که در قرآن کریم به‌عنوان بهترین الگو معرفی شده‌اند، لباس نیکو به تن می‌کردند. چشمشان را برای زیبایی و سلامتی سرمه می‌کشیدند، مسواک می‌زدند و بوی خوش را بسیار دوست داشتند.

به‌طور کلی می‌توان گفت زنان بیشتر از مردان به زیبایی توجه دارند. البته این به معنی بی‌توجهی مردان به زیبایی نیست؛ بلکه خانم‌ها بیشتر به زیبایی ظاهری توجه دارند. (بهنما، ۱۳۹۰)

## آرایش مادر و تقلید کودک

واقعیت این است که کودکان بیشتر آرایش کردن را از مادران خود تقلید می‌کنند. در واقع آرایش کردن مادر است که به کودک آموزش می‌دهد با زدن این مواد شیمیایی می‌توان زیباتر به‌نظر رسید.

چند سالی است در کنار مواد آرایشی، نقاشی کردن صورت کودکان (گریم) با مواد رنگی گوناگون از جمله آبرنگ، رنگ‌های فون، مازیک در جشن‌های مختلف رواج یافته است. طرح این پرسش در اینجا قابل تأمل است که آیا این رنگ‌ها که صورت کودکان را برای سرگرمی زیباتر می‌کند، بی‌خطر است؟

آگاهی مادران از آسیب‌ها و ضررهای ناشی از استفاده مواد آرایشی می‌تواند تاحدودی در تغییر نگرش آنان مؤثر باشد.

کلیدواژه‌ها: گریم، آرایش، نقاشی صورت.



# آرایش و گریم کودکان

**تحقیقات نشان داده است هرچه دختران از سنین پایین تری شروع به استفاده از مواد آرایشی کنند، احتمال ابتلایشان به بیماریهایی مثل سرطان، به هم ریختن تعادل هورمون، حتی ناباروری و افسردگی افزایش می یابد**

را انجام دهید و رنگها را به سرعت پاک کنید. بهترین روش پاک کردن این رنگها شستن با آب معمولی و شامپو یا صابون بچه است.

- بعد از شستن نیز از یک مرطوب کننده ساده یا چرب کننده مثل وازلین استفاده کنید. حتی می توانید از شیرپاک کن استفاده کنید و سپس آن را با آب معمولی بشوید.
- هرگز اجازه ندهید دلبدتان با وجود رنگهای شیمیایی روی پوست لطیفش بخوابد.
- سرانجام اینکه در مورد ضررهای این مواد با کودکان صحبت کنید.

#### منابع

۱. باریکین؛ بهروز؛ عوارض نقاشی روی صورت کودکان. سایت تبیان. ۱۳۸۷/۵/۱۰.
  ۲. گروه تحقیقاتی آموزشی مؤسسه فرهنگی بهنام؛ ۱۰۰۱ نکته آرایشی و بهداشتی. ناشر: امیر بهنام. تهران. ۱۳۹۰.
  ۳. منصوری، پروین؛ جلوی آرایش کودکان را بگیرد. مجله خانوادگی مادران. ۱۳۹۰/۶/۲۴.
4. [www.tebyan.net](http://www.tebyan.net)

## زیان های مواد آرایشی برای پوست لطیف کودکان

تحقیقات نشان داده است هرچه دختران از سنین پایین تری شروع به استفاده از مواد آرایشی کنند، احتمال ابتلایشان به بیماریهایی مثل سرطان، به هم ریختن تعادل هورمون، حتی ناباروری و افسردگی افزایش می یابد. همچنین، جوش صورت و حساسیت پوستی در این کودکان بیشتر دیده می شود.

## چند راهکار عملی برای مقابله با آرایش کودکان

- به کودک تفهیم کنید که می تواند با استفاده از تل های رنگارنگ، گل سرهای زیبا و... خودش را خوشگل تر کند. به دلبدتان بگویید این وسایل هم باعث می شود زیباتر شود و هم برایش بی ضرر است.
- به او توضیح دهید که پوست بزرگ ترها ضخیم است و به این مواد شیمیایی مقاوم شده است ولی پوست او آسیب خواهد دید و وقتی به سن مدرسه برسد، پوستش خراب می شود و دوستانش زیبایی او را نمی بینند.
- از پزشک کودک بخواهید در این زمینه با او صحبت کند. صحبت های متخصص در این امر مؤثرتر خواهد بود.
- جلوی آرایش کودکان را بگیرد؛ حتی برای لاک ناخن هم محدودیت قائل شوید. زیرا مواد پاک کننده ناخن مثل استون و دیگر ترکیبات، باعث خشک شدن ناخن و زرد شدن آن در طولانی مدت می شود.
- اگر به هر دلیل کودک را بگیرد، فقط یکبار این کار

معصومه احمدزاده

کارشناس ارشد آموزش پیش دبستان

## باید ها و نبایدها





خواهد رفت. که. صفت. ای کاش. هم. باش. نقطه. ولی. شاید. اما. برای. تا. باید بروم. از. آینده. این. می شود. جمله. رفتن. می بخشد. م  
اما. از. آینده. این. می شود. جمله. را. کلمه. اگر. خواهد رفت. که. صفت. برای. تا. باید بروم. از. آینده. این. می شود. جمله. رفتن. می بخشد. م

کنند. برای نمونه، ذکر و آموزش این نکته که در کاربرد معیت و همراهی فعل می تواند هم به صورت مفرد باشد هم جمع، از نکات مهم است (من با سارا به مدرسه رفتم/ رفتیم). همچنین به مواردی چون وجهها، انواع جملات شرطی (در حد نیاز کودکان)، صفات، قیدها و... در طول دوره آموزشی باید توجه شود.

از آنجا که مخاطبان این مقاله تهیه کنندگان محتوا برای کودکان مناطق دوزبانه هستند و در بیشتر موارد فارسی زبان مادری این تهیه کنندگان نیست، لازم است این افراد به صورت کاملاً علمی و دقیق به مطالعه دستور زبان فارسی بپردازند تا متون خود را با پشتوانه ای علمی و درست تدوین کنند نه براساس دانش شخصی است. در مرحله بعد، این افراد باید بدانند که چگونه این موارد دستوری را در متن بگنجانند. در بررسی فعالیت هایی که در کمیته زبان آموزی انجام می شود، بارها دیده شده است که نگارندگان یکی از قواعد دستوری را در جدول شناسنامه فعالیت ذکر کرده اند، اما در طول فعالیت نشانی از آن ساخت نیست یا به دو یا سه بار ذکر آن ساخت در طول درس اکتفا می شود بدون آنکه تمرکزی روی آن باشد یا آن ساختار برای دانش آموز پررنگ شود. در نهایت، بی آنکه در طول فعالیت تکمیلی به آن اشاره شود تا از میزان یادگیری دانش آموزان آگاه شویم، درس را پایان می بخشد.

در صورتی که در یک محتوای زبان آموزی استاندارد لازم است نگارنده بعد از کسب اطلاعات دقیق از ساختار مورد نظر و تسلط کامل بر آن به تهیه یک متن مناسب برای ارائه آن می پردازد و در طول متن بارها و بارها آن را تکرار می کند تا به صورت غیرمستقیم و ناآگاهانه آن ساختار در ذهن دانش آموز درونی و نهادینه شود. در انتها نیز در فعالیت تکمیلی از میزان یادگیری دانش آموز از طریق فعالیت های مناسب آگاهی می یابد. البته این به آن معنا نیست که بعد از اتمام درسی دیگر به آن ساختار اشاره ای نشود بلکه در درس های بعدی نیز باید از آن ساختار و ساختارهای دیگر پیشین استفاده کرد، اما محوریت با ساختار جدید باشد. برای مثال، اگر قرار است در درسی حرف ربط «ولی» آموزش داده

شود و در درس های پیشین حروف ربط با و اما یاد داده شده است، باید هر سه حرف ربط در طول متن به کار روند؛ با شرط محوریت حرف ولی. انتخاب ساختارها (قواعد دستوری) بهتر است براساس معیارهای مهم زیر صورت گیرد:

**افرادی که به تهیه و تدوین محتوا می پردازند، باید با ساختار و قواعد دستوری زبان خود آشنا باشند و در ضمن، توانایی به کارگیری آن ها را به صورت کارآمد و مفید داشته باشند**

زبانی فراوانی منجر می شود. فردی که به تدوین محتوای زبان آموزی می پردازد، باید به صورت کامل و علمی و با توجه به منابع موثق و معتبر و به دور از حدس و گمان و اکتفا به دانش شخصی خود از چگونگی کاربرد هر یک از این زبان ها اطلاع کسب کند و آن ها را به صورت اصولی و با توجه به قواعد حاکم بر تدوین محتوا در متن خود به کار برد. مثالی برای روشن تر شدن مطلب ذکر خواهیم کرد. افعالی چون: بروم، بگویند، بزنیم و... را که از ترکیب ب+ بن مضارع فعل + شناسه تشکیل شده اند، فعل حال التزامی می گویند. برای آموزش این زمان باید نگارنده شرایط کاربرد آن را بداند. فعل التزامی در چند مورد به کار می رود. ۱. بعد از «شاید»، «ممکن است» و... (شاید امروز او به خانه ما بیاید)؛ ۲. بعد از «باید» (او باید به مدرسه برود) و ۳. در جملات شرطی (اگر درس بخوانی، موفق خواهی شد) و موارد دیگر. اگر نگارنده ای این موارد را بداند، به راحتی می تواند آن ها را در قالب متنی مناسب بگذارد و با تکرار آن در طول متن و در نهایت در فعالیت های تکمیلی به آموزش غیرمستقیم آن بپردازد. همین طور است زمان های دیگر که هر کدام اصول خاص خود را دارد که نگارندگان باید به آن ها مسلط باشند و در حد نیاز مخاطبان خود و به وسیله روش های مناسب به عرضه آن ها بپردازند. باید دقت شود که اطلاعات عرضه شده در باب زمان ها باید به گونه ای باشد که در ذهن مخاطب درونی شود؛ زیرا بخش عمده اطلاعات زبانی از طریق افعال و زمان و وجه آن ها در جمله شکل می گیرد و بی توجهی به آن ها دانشی ناقص را در ذهن مخاطب ایجاد می کند که رفع آن مستلزم تلاشی بسیار است؛ به ویژه برای دانش آموزانی که در سنین پایین به یادگیری زبان می پردازند.

یکی دیگر از انواع قواعد دستوری بسیار مهم **حروف اضافه** و **حروف ربط** است. از آنجا که این دو دسته در ایجاد جملات دستوری و معنادار و همچنین برقراری تفهیم و تفاهم از اهمیت بالایی برخوردارند، دانستن آن ها و چگونگی کاربردشان ضروری است.

برای یادگیری یک زبان به طور کلی ساختار و قواعد آن زبان از مهم ترین عناصر هستند و در صورت بی توجهی به آن ها می توان ادعا کرد که فرایند زبان آموزی اصلاً انجام نشده است. برای مثال، یا یکی از حروف اضافه است که معانی فراوانی دارد؛ از قبیل: ۱. همراهی و معیت (من با سارا به مدرسه رفتم)؛ ۲. ابزار انجام دادن فعل (من با چاقو میوه را پوست کردم) و... نگارنده باید معانی، انواع کاربرد و نکات مربوط به هر یک از موارد بالا را بداند و آن ها را در طول دوره آموزشی و در متون مختلف ذکر



موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزشی  
شماره ۴  
تیرستان ۱۳۹۲

صفت. ای کاش. هم. باش. نقطه. ولی. شاید. اما. برای. تا. باید بروم. از. آینده. این. می شود. جمله. رفتن. می بخشد. حرف اضافه  
صفت. ای کاش. هم. باش. نقطه. ولی. شاید. اما. برای. تا. باید بروم. از. آینده. این. می شود. جمله. رفتن. می بخشد. حرف اضافه  
صفت. ای کاش. هم. باش. نقطه. ولی. شاید. اما. برای. تا. باید بروم. از. آینده. این. می شود. جمله. رفتن. می بخشد. حرف اضافه

## اشاره

با وجود اینکه مراکز پیش دبستانی توجه خود را به طور روزافزونی به مسائل آموزشی افزایش می دهند، بازی همچنان نقش حیاتی خود را در این دوره حفظ می کند.

دوره پیش دبستانی به جعبه شن و امثال آن محدود نیست، بلکه موضوعی فراتر از اینهاست. همان طور که دوره ابتدایی در حال پیشرفت، انسجام و دقیق تر شدن است، به همان اندازه دوره پیش دبستانی هم در حال پیشرفت، انسجام و دقیق تر شدن است.

کودکان انتظار دارند مهارت های پایه و اصلی را در پیش دبستان یاد بگیرند تا برای ورود به دوره ابتدایی آماده بشوند.

بدر نظر گرفتن زمان محدود در محیط پیش دبستان و فشار برای رسیدن به موفقیت های بعدی، باید دید که «بازی» در چه جایگاه و موقعیتی قرار دارد.

## کلیدواژه ها: بازی، فضای بازی، رشد جسمی، رشد اجتماعی.

نویسنده: پام گلمن

ترجمه علی حسینعلی پور

کارشناس ارشد آموزش و پرورش پیش از دبستان

## نگاهی دیگر به اهمیت بازی در دوره پیش دبستانی



# بازی کار کودک است



● **سادگی:** بهتر است ساختارهای زبانی براساس سادگی اولویت بندی شوند؛ یعنی در ابتدا قواعد ساده تر معرفی شوند و بعد مرحله به مرحله از قواعد پیچیده تر استفاده گردد. البته باید توجه داشت که قواعد ساده زیربنا و اساس قواعد پیچیده هستند. مثلاً جمله ساده جمله ای است که از ترکیب فاعل + مفعول + فعل ساخته می شود و جمله مرکب از ترکیب دو جمله ساده و یک حرف ربط (جمله ساده + حرف ربط + جمله ساده)؛ بنابراین زبان آموز باید به ترتیب جمله ساده، حروف ربط و جملات مرکب را بیاموزد.

● **بسامد (کاربرد):** در ابتدای مراحل آموزش، به جای ساختارهایی که کاربرد کمتری دارند، بهتر است ساختارهای مرکزی تر و پر کاربردتر آموزش داده شود. برای مثال، فعل ماضی ساده از جمله ساختارهای پر کاربرد در زبان فارسی است که بهتر است قبل از زمان های دیگر آموزش داده شود. همچنین جمله های ساده باید زودتر آموزش داده شود؛ چون این ساختار در تولید انواع جملات نقشی اساسی دارد و تا فرد آن را یاد نگیرد، نمی تواند جملات دیگر را تولید کند.

● **قابلیت یادگیری:** عناصر دستوری باید بر مبنای سطح علمی دانش آموزان انتخاب شود. اگر این عناصر از سطح زبان و شناخت کودکان فراتر باشد، فرا گرفته نمی شود و به اصطلاح می گوئیم فاقد معیار قابلیت یادگیری هستند. مثلاً برای کودکی، یادگیری حروف ربطی همچون به شرط اینکه، در غیر این صورت و... دشوار است؛ زیرا دانش وی از نظر زبانی و شناختی هنوز در حد پردازش چنین عباراتی نیست و در نهایت نمی تواند کاربرد و چگونگی استعمال آن را یاد بگیرد.

### پی نوشت

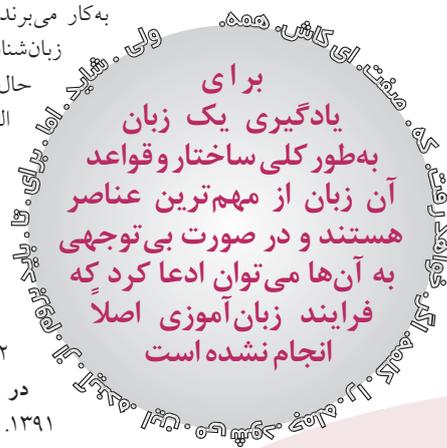
۱. متأسفانه بارها دیده شده است که تهیه کنندگان محتوای زبان آموزی در مناطق دوزبانه، زمان هایی را که قرار است آموزش دهند با نام هایی به کار می برند که نه در دستور سنتی و نه در علم زبان شناسی مورد تأیید است؛ همانند به کاربردن حال استمراری به جای حال اخباری یا حال التزامی.

### منابع

۱. ساغروانیان، سید جلیل؛ فرهنگ اصطلاحات زبان شناسی موضوعی - توصیفی. مشهد، نشر نما، ۱۳۶۹.
۲. عصاره، فریده و مونا بافته؛ زبان آموزی در پیش دبستان. تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۹۱.

۳. عصاره، فریده؛ شیوه نامه تدوین محتوای زبان آموزی در مناطق دوزبانه، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۹۱.

برای یادگیری یک زبان به طور کلی ساختار و قواعد آن زبان از مهم ترین عناصر هستند و در صورت بی توجهی به آن ها می توان ادعا کرد که فرایند زبان آموزی اصلاً انجام نشده است





## بازی کردن کار اصلی کودکان پیش دبستانی است

کودکان به طور طبیعی بازیگوش اند. اولین تجربه‌های آنان، کشف کردن با حواس است که به بازی با خودشان منجر می‌شود؛ ابتدا بازی با خودشان (بازی انفرادی) و سپس با دیگران (بازی مشارکتی). **انجمن ملی تربیت کودکان** بازی را به عنوان یک معیار در فرایند اعتباربخشی به برنامه‌های کودکان در نظر گرفته است؛ «آنها معتقدند که بازی کار کودکان است.» **پیتر پیزولونگو**، معاون بخش رشد حرفه‌ای در انجمن ملی تربیت کودکان، می‌گوید: «وقتی کودکان در حال یادگیری هستند و با لذت بازی می‌کنند، به تجربه‌های مثبت دست می‌یابند و دیدگاهی مثبت به یادگیری در آن‌ها رشد می‌یابد.»

## سؤالاتی درباره فضاهای بازی در دوره پیش دبستان که باید پاسخ داده شود

- آیا کودکان حق انتخاب انواع بازی‌ها را دارند؟
- آیا فضاها برای فعالیت‌های مختلف مانند تعویض لباس، کارهای هنری و ... به وضوح تفکیک شده است؟
- آیا یک نظام سازمانی از قبیل قفسه‌بندی کردن، ظروف دارای برچسب یا فضاهای محصور وجود دارد؟
- آیا اسباب‌بازی‌هایی پاکیزه در شکل مناسب و استاندارد و آماده برای بازی وجود دارد؟ (اسباب‌بازی‌ها باید کودکان را به بازی کردن دعوت کنند؛ البته باید توجه داشت که تعداد زیاد اسباب‌بازی‌ها می‌تواند برای کودکان گیج‌کننده باشد.)
- آیا برای بازی در هوای آزاد، فضایی محصور وجود دارد که محوطه‌ای امن برای کودک فراهم کند و همچنین سطحی نرم و استاندارد در زیر وسایل بازی داشته باشد؟
- آیا مربیان به بازی کودکان علاقه‌مندند و به آن واکنش نشان می‌دهند و به ایده‌های بازی کودکان احترام می‌گذارند و آن را محدود نمی‌کنند؟
- آیا کودکان سرگرم و خوشحال به نظر می‌رسند؟

## نقش مربی در رشد بازی کودکان

همان‌گونه که کودکان رشد می‌کنند، بازی‌هایشان هم رشد می‌کند و پیچیده‌تر می‌شود. کودک تا دو سالگی به تنهایی و با خودش بازی می‌کند و با دیگران تعامل کمی دارد. پس از آن، او شروع به تماشای بازی کودکان دیگر می‌کند ولی به آن‌ها ملحق نمی‌شود. این رفتار منحصر به کودکانی است که در محیط‌هایی هستند که کودکانی از سنین مختلف حضور دارند و کودکان کم سن و سال‌تر می‌توانند آنها را مشاهده کنند و از کودکانی که سن بیشتری دارند، یاد بگیرند و الگو برداری کنند.

### کودک

در حدود دو و

نیم تا سه سالگی، شروع به

بازی در حالت نشسته در کنار کودکی دیگر می‌کند که اغلب علاقه و سلیقه‌های مشابه او دارد. این تغییرات به طور طبیعی با استفاده از زبان به شروع بازی مشارکتی می‌انجامد. مربی می‌تواند این فرایند را به وسیله فراهم ساختن فضایی مناسب برای دو نفر یا بیشتر و کمک به کودکان برای یافتن کلمات مناسب برای بیان سؤالات یا نیازهایشان تسهیل کند.

پیش دبستانی‌های چهار و پنج ساله کشف می‌کنند که می‌توانند در علاقه‌های مشابه همدیگر سهیم شوند؛ به همین دلیل، به دنبال کودکانی می‌گردند که مثل آن‌ها باشند. آن‌ها بحث، گفت‌وگو و تبادل نظر می‌کنند و برای ایجاد موقعیت‌های مختلف بازی، راهکارهایی با تمام جزئیات می‌دهند.

در این سنین و هنگام بازی با هم، کودکان نوبت را رعایت می‌کنند و برای رسیدن به اهداف متقابل با یکدیگر تعامل و همکاری دارند.



فراهم می‌کند. پیزولونگو می‌گوید: «وقتی یک کودک پیش دبستانی یا نوپا هستید، توجهتان به چیزهای مختلف جلب می‌شود؛ توجه و حواستان به بهترین شکل کار می‌کند؛ حتی اگر تمام بدنتان درگیر کار باشد. همچنین کودکان از طریق بازی یاد می‌گیرند به‌طور فیزیکی با وسایل (مواد) درگیر شوند و برای رسیدن به بهترین نتیجه با یکدیگر تعامل کنند.

### رشد زبان

کودکان مهارت‌های زبانی را از طریق بازی‌های مشارکتی رشد می‌دهند. موفقیت کودکان به توانایی‌ها، صبر و تلاششان در ابراز خودشان بستگی دارد. مریدان کلماتی را که کودک می‌گوید برای کمک به فهمیدن دیگران تکرار می‌کنند، آن‌ها همچنین به کودکان کلماتی درباره اشیا یاد می‌دهند که به بازی کردن و بررسی آن‌ها علاقه‌مند هستند. هنگامی که کودکان با یکدیگر بازی می‌کنند ممکن است با خودشان صحبت کنند و سپس شروع به تکرار آنچه شنیده‌اند بکنند یا شروع به صحبت با همدیگر کنند؛ این ارتباطات به وسیله بازی رشد می‌کنند و از چهار سالگی به طور فزاینده‌ای پیچیده می‌شوند.

کودکان برای بازی‌هایشان قوانین وضع می‌کنند، نقش‌های خاص ایفا می‌کنند، علاقه‌مندی و اهدافشان را اظهار و ابراز می‌کنند و با یکدیگر درباره موقعیت‌های خنده‌داری حرف می‌زنند که در حین بازی رخ می‌دهد.

### رشد خود پنداره<sup>۱</sup>

بازی اعتماد به نفس بالایی در کودک به وجود می‌آورد. تلاش برای اجرای روشی خاص در بازی یا درست کردن بلوک‌ها (بازی ساختمان‌سازی) برای کودکان پیش دبستانی دشوار است. معلمان اذعان دارند که این تجربیات هنگام بازی کردن باعث می‌شود

نقش مربی در رشد و توسعه بازی بسیار مهم و حیاتی است. پیزولونگو می‌گوید: «والدین باید نگاه کنند که معلم محیط را چگونه سازماندهی کرده است، همچنین کاربرد برنامه آموزشی معلم را نیز مشاهده کنند؛ زیرا برنامه آموزشی نشان می‌دهد که معلم چه طرحی برای اینکه کودکان درگیر بازی شوند، در نظر گرفته است. این حقیقتاً راهی ساختاریافته برای یادگیری است؛ البته در ظاهر، تفاوتی ساختاری با آن چیزی دارد که در کلاس‌های بعدی می‌بینید.

### انواع بازی

بازی کودکان را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد. البته باید توجه داشت که انواع مختلف بازی، اغلب اوقات هم‌پوشانی<sup>۳</sup> دارند:

- **بازی‌های نمایشی<sup>۴</sup>**: بازی‌هایی که به وسیله خیال هدایت می‌شوند؛ مانند تقلید نقش‌ها، پوشیدن لباس‌های مبدل، استفاده از اسباب‌بازی‌ها برای نشان دادن شخصیت‌های داستان، ساختن موقعیت‌های خیالی و تظاهر به نقش‌های بزرگسالان.

- **بازی‌های دست‌ورزی<sup>۵</sup>**: نگه داشتن، لمس و دست‌کاری اسباب‌بازی‌های کوچک (لگو<sup>۶</sup> و ...) که اغلب برای ساختن اشیا مورد استفاده قرار می‌گیرند. همچنین پیدا کردن قطعات پازل‌ها، بازی با مهره‌ها و ... جزو این دسته به شمار می‌روند.

- **بازی‌های بدنی<sup>۷</sup> (جسمی)**: استفاده از تمام بدن در فعالیت‌ها مانند دوچرخه‌سواری، توپ بازی، طناب بازی، حلقه هولاهوپ<sup>۸</sup> و ...

- **بازی‌های خلاق<sup>۹</sup>**: استفاده از وسایل یا مواد مخصوص کارهای هنری مانند رنگ، گل، مژیک، مداد و چسب. این نوع بازی در فرایند استفاده از این گونه وسایل و مواد اجرا می‌شود، نه در انتهای کاری که تولید می‌شود.

### فواید بازی

کودکان مهارت‌هایشان را از طریق بازی رشد می‌دهند و در سال‌های آینده در مدرسه از آن‌ها استفاده خواهند کرد.

### رشد جسمی

رشد مهارت‌های حرکتی درشت و ظریف از طریق بازی رخ می‌دهد. کودکان در هنگام بازی فضای باز و آزاد، اگر احساس راحتی کنند و حمایت شوند، خود را در موقعیت‌های دشوار جدید وارد می‌کنند و مهارت‌های حرکتی‌شان را تقویت می‌نمایند. رشد مهارت‌های حرکتی ظریف، از قبیل در دست گرفتن و دست‌کاری اشیای ریز، راهی است برای اینکه کودکان استفاده از دست‌ها و انگشت‌هایشان را تمرین کنند. این فعالیت‌ها دست‌ها و انگشتان کودک را قوی می‌سازد و هماهنگی لازم را برای مهارت‌های نوشتن



**رشد مهارت‌های حرکتی ظریف، دست‌ها و انگشتان کودک را قوی می‌سازد و در نتیجه، هماهنگی‌های لازم را برای مهارت‌های نوشتن فراهم می‌آید**

**همان‌گونه که کودکان رشد می‌کنند، بازی‌هایشان هم رشد می‌کند و پیچیده‌تر می‌شود**

#### فوق‌العاده

مهم به پدیده‌هایی (بازی‌های کامپیوتری و ویدیویی و...) نگاه کنیم که بازی کودکان در فضای آزاد را کاهش داده است؛ کودکان اوقات فراوانی را بدون نظم و داشتن برنامه‌ریزی مناسب از دست می‌دهند و مشغول بازی‌های خیالی می‌شوند، همچنین اکثر اسباب‌بازی‌هایی که به بازار عرضه می‌شود، به طور فزاینده‌ای خشونت را ترویج می‌کنند.»

#### وقتی می‌خواهید یک مرکز پیش‌دبستان انتخاب کنید، دربارهٔ بازی سؤال کنید

هنگامی که برای کودک خود به دنبال یک مرکز پیش‌دبستانی می‌گردید، باید متفکرانه عمل کنید و از فلسفه و دیدگاه آن مراکز دربارهٔ بازی سؤال کنید. پیش‌دبستانی‌ها برای بازی به فرصت‌هایی نیاز دارند، باید فضاهایی برای آن‌ها مهیا شود تا شروع به کشف و کاوش کنند و معلمان باید به کودکان واکنش مناسب نشان دهند و از فرایند یادگیری حمایت کنند.

فراهم کردن فضا و امکانات برای بازی کودکان آن‌ها را در آینده به افرادی تبدیل می‌کند که در کارها با یکدیگر همکاری و مشارکت می‌کنند، از یادگیری لذت می‌برند، خوشحال و بانشاطند و عشق به بازی را از دست نخواهند داد.

#### پی‌نوشت

1. National Association for the Education of Young Children (NAEYC)
2. Peter Pizzolongo
3. Overlap
4. Dramatic
5. Manipulative
6. Lego
7. Physical
8. Hula hoop
9. Creative
10. Self-Concept
11. Impulse
12. Julie Nicholson

کودکان آنچه را مشاهده می‌کنند، به وضوح بیان کنند و به آن‌ها اجازه می‌دهد که این مهارت‌ها را تکرار کنند و یاد بگیرند. همچنین در بازی فوایدی درمانی هست که به کودکان در فهم موقعیت موجود کمک می‌کند؛ برای مثال، درک این که والدین به سرکار می‌روند و برای برداشتن کودک از مدرسه دوباره بر می‌گردند، از طریق یک سناریوی بازی می‌تواند تقویت شود.

#### رشد اجتماعی

گوش دادن، گفت‌وگو و توافق کردن چالش‌های کودکان چهار و پنج ساله است. با وجود اینکه کودکان در این سنین هنوز هم خودخواه‌اند یا به عبارتی هنوز قادر به فکر کردن به چیزی غیر از نیازهای خود نیستند، بازی با کودکان دیگر به آن‌ها کمک می‌کند تا دربارهٔ تفاوت‌های مردم پیرامونشان شناخت پیدا کنند. در پیش‌دبستان، این تجربه‌ها زمینه را برای یادگیری نحوهٔ حل مسائل و برقراری ارتباط با همسالان خود فراهم می‌کند. بازی همچنین به ایجاد خصوصیات رهبری مثبت در کودکانی که به‌طور طبیعی به دستور دادن تمایل دارند، کمک می‌کند. البته آن‌ها باید یاد بگیرند که چگونه تکانه‌هایشان<sup>۱۱</sup> (هیجان‌هایشان) را مدیریت کنند.

#### مضرات بازی نکردن کودکان در فضای آزاد

بسیاری از کودکانی که در سن مدرسه قرار دارند، زمانی که خارج از مدرسه هستند و تنه‌ایند، وقتشان را با بازی‌های کامپیوتری و ویدیویی می‌گذرانند؛ پس برای کودکان پیش‌دبستانی بسیار حیاتی است تا فرصتی برای رشد طبیعی در بازی‌هایشان داشته باشند.

**جولی نیکلسون<sup>۱۲</sup>**، استاد دورهٔ پیش‌دبستانی و دبستانی (دوران اولیهٔ کودکی) مدرسهٔ تربیتی دانشکده میلز در اوکلند ایالت کالیفرنیا، می‌گوید: «در سال‌های اخیر، تحقیقات فراوانی فواید بازی را در رشد کودکان به ما نشان داده است، بنابراین ما باید به‌عنوان موضوعاتی



## مقدمه

کتاب درمانی<sup>۱</sup> را که بازپروری از طریق خواندن تعریف کرده‌اند، عبارت است از کتاب خوانی<sup>۲</sup> و درمان<sup>۳</sup> که می‌تواند به کودک در حل مشکلات و کنار آمدن با آن‌ها کمک کند. با کتاب درمانی خیلی از مسائل و مشکلات مثل جدایی، بیماری، از خود بیگانگی و غیره در کودکان کاهش می‌یابد.

برای کودک کتاب می‌خوانیم تا علاوه بر لذت بردن از آن، مهارت‌های شنیداری و توانایی درک و تحلیل او رشد کند و زمانی که خود خواندن را آموخت از طریق آن آگاه شود و لذت ببرد. کودک با کتاب خواندن سرگرم می‌شود، با شخصیت‌های آن می‌آمیزد، می‌اندیشد، راه‌های تازه را جست‌وجو و گره از مشکل باز می‌کند. کودک با قهرمان داستان می‌خندد، گریه می‌کند، شاد و غمگین می‌شود و با دیگر مشکلاتی که ممکن است برای قهرمان پیش بیاید، مواجه و شریک می‌شود. درک و بیان احساس برای کودک دشوار است؛ این کار را کتاب‌درمانی برای ما انجام می‌دهد. کودک با قهرمان قصه به خودآگاهی می‌رسد و همگام با او رشد می‌یابد و بهتر می‌تواند آنچه از درونش برمی‌آید به زبان آورد.

## کلیدواژه‌ها: کتاب درمانی، کودکان و قصه.

کتاب درمانی واژه‌ای قدیمی به مفهوم بازپروری از راه خواندن است و به تعامل بین خواننده و ادبیات اشاره دارد. در روش درمان با کتاب، مطالبی خواندنی در دسترس خواننده قرار می‌گیرد که تأثیر درمانی و شفابخشی دارد. متخصصان رشد و پرورش کودکان، بارها کتاب درمانی را برای کودکانی که در فشارهای روحی مانند بستری بودن در بیمارستان، از دست دادن دوست و جدایی والدین، یا در جنگ و رخداد‌های طبیعی همچون سیل و زلزله قرار می‌گیرند، توصیه کرده‌اند. ادبیات می‌تواند به کودکان در درک عواطف خود، هم‌ذات‌پنداری با شخصیت‌هایی که احساس‌های مشابه را تجربه می‌کنند و نیز کسب بینشی نوین نسبت به چگونگی برخورد دیگران با همان مشکلات یاری رساند. کتاب می‌تواند مثل آینه برای کودکان باشد؛ به این معنا که ویژگی‌های ظاهری، روابط، احساس‌ها و اندیشه‌های آن‌ها را در پیرامونشان نشان دهد.

کودکان هنگام کتاب‌درمانی سه فرایند را تجربه می‌کنند: همانندسازی، پالایش روانی و بینش درون. از آن‌جا که کودکان و نوجوانان در بیشتر موارد خود را به جای شخصیت‌های اصلی کتاب یا قهرمانان داستان می‌گذارند، چنانچه در پروژه‌های کتاب‌درمانی کتاب‌های مناسبی گزینش شوند، همانندسازی به آن‌ها

کمک می‌کند تا مشکلات خود را بشناسند. هنگامی که کودک درمی‌یابد در رویارویی با این‌گونه مشکلات تنها نیست، احساس آرامش و امنیت می‌کند و از تشویش و احساس تنهایی‌اش کاسته می‌شود. زمانی که این همانندسازی صورت گرفت، فرایند پالایش روانی نیز انجام می‌شود. کودک و نوجوان از جنبه احساسی درگیر داستان می‌شوند و می‌توانند احساسات خود را در شرایطی امن بروز دهد. با همانندسازی و پالایش روانی، کودک و نوجوان برای تجزیه و تحلیل مشکلات خود توانمندتر می‌شود. این‌گونه تحلیل‌ها سبب افزایش آگاهی و درک عمیق‌تر آن‌ها از خود و ارتباط با دیگران می‌شود. این خودآگاهی کودک و نوجوان را قادر می‌سازد

تا دریافت‌هایش را از رخدادها دگرگون کند و رفتارهایش را بهبود بخشد.

کتاب‌درمانی می‌تواند به شکل انفرادی یا گروهی اجرا شود. برای کودکانی که مشکلات خاص دارند، کتاب انتخابی مابرای کودکان باید در زمینه حل آن مشکل باشد. از این طریق کودک از



# کتاب درمانی با کودکان

اکرم صالح‌زاده

کارشناس ارشد آموزش و پرورش پیش از دبستان



فشارهای احساسی رها و بر خود آگاهی اش افزوده می شود و رفتارش را بهبود می بخشد و می تواند موضوع های مهم زندگی را درک کند. در کتاب درمانی گروهی، کتاب در جمع و توسط یک گوینده خوانده می شود و بحث و گفت و گوی گروهی و فعالیت های جمعی در پی این خواندن صورت می گیرد. کودک در می یابد که تنها نیست و می تواند در حل مشکلاتش با دیگر کودکان همکاری داشته باشد.

### اهمیت کتاب درمانی

روان کلوان بر این باورند که کودکان در مواجهه با ضربه ها و آسیب های روانی، از شیوه های سرکوب و انکار استفاده می کنند. از همین رو، بخش اعظم آنچه

آزارشان می دهد، غالباً ضمیر خود آگاه آن ها مخفی است. هنگامی که موضوع کتابی با مشکل کودک مطابقت کامل دارد، وی با مطالعه آن ممکن است از وجود تضادی پنهانی آگاه شود که برایش اضطراب آور است. مهم تر این که برخی کودکان ممکن است از صحبت کردن درباره موضوعاتی که قبلاً به مثابه راز نزد خود حفظ می کرده اند، احساس آرامش کنند، اگر کودکان به اندیشه ها و رفتارهای قهرمان داستان گوش فرا دهند و آن ها را بفهمند، می توانند اندیشه ها و رفتارهای خود را نیز به خوبی ارزیابی کنند. برخی کودکان این خود آزمایی را بی سر و صدا در خلوت امن ذهن خود انجام می دهند. در حالی که بعضی دیگر برداشت خود را با مشاور در میان می گذارند، در هر دو حالت، این کودک است که از فواید کتاب درمانی بهره مند می شود.

امروزه، ادبیات کودکان محدوده وسیعی از موضوعات پیش تر منع و نهی شده را در بر می گیرد. در کتاب های تخیلی و غیر تخیلی از مرگ، طلاق، روابط جنسی، اعتیاد، دیگر نگرانی ها و دل مشغولی های کودک سخن گفته می شود. کودکان از طریق کتاب ها به اسرار زندگی و مرگ دست می یابند. مادران باردار می توانند درباره نوزادی که قرار است در آینده به دنیا بیاید، کتاب بخوانند. این کتاب ها به پرسش های فراوانی که کودکان پیش دبستانی در این باره دارند، پاسخ می دهند و نگرانی های کودک را درباره رابطه اش با مادر، پس از تولد نوزاد بر طرف می کنند. مسئله مرگ به مثابه آخرین حلقه زنجیره حیات از موضوعاتی است که در برخی کتاب ها با دقت و حساسیت تشریح شده است؛ هم چنین کودک می تواند مقابله با استرس، مهار خشم و مهارت خود پنداری مثبت را بیاموزد که در هر قصه مورد تأکید قرار می گیرد. علاوه بر این در حیطه رفتاری، هدف قصه ها در کتاب درمانی ایجاد

### معرفی کتاب های مناسب

عصبانی شدن و پر خاشگری	خشم قلبیه نویسنده: میری دلانسه برگردان: محمد مهدی شجاعی تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۷.	لاک پشت کوچولو نویسنده: فرناز کریمی زاده چاپ شده در مجله رشد آموزش پیش از دبستان، تهران، سال اول، پیش شماره سوم، ۱۳۸۸.
زورگویی و قلدری	پسری که آبرویش رفت! نویسنده: لوفیس سکر برگردان: پروین علی پور تهران: نشر چشمه، کتاب های ونوش، ۱۳۸۷.	
ترس	خوابت نمی برد، خرس کوچولو؟ نویسنده: مارتین وادل برگردان: رضی هیرمندی تهران: نشر افق، کتاب های فندق، ۱۳۸۲.	
روز اول مدرسه	فرانکلین به مدرسه می رود. نویسنده: پالت بورژوا برگردان: الهام کلاتری تهران: انتشارات پیک دبیران، ۱۳۸۳	
ورود نوزاد جدید به خانواده	عاشقتم کانگوروی آبی! نویسنده: اما چیچستر کلارک برگردان: پارسا مهین پور، نسرین وکیلی تهران: انتشارات مبتکران پیشروان، ۱۳۸۴.	



رشد آموزش پیش دبستانی  
دوره چهارم، شماره ۴  
تابستان ۱۳۹۲

مهارت‌های خودتنظیمی، بهداشت فردی، ایمنی و سلامت جسمی و یادگیری هنجارهای اجتماعی است. کودک با مطالعه این کتاب‌ها و توجه به سطح رشد کودک، برای انتخاب کتاب و زمان مناسب برای گفت‌وگو درباره هر یک از این موضوعات ضروری است. در نهایت کتاب‌درمانی عبارت است از:

**کودکان  
 هنگام  
 کتاب‌درمانی  
 سه فرایند را  
 تجربه می‌کنند:  
 همانندسازی،  
 پالایش روانی  
 و بینش  
 درون**

- ابزاری برای تشخیص
- رشد قدرت اندیشه، خودآگاهی و تخیل
- واکنش‌های سازنده
- کشف مهارت‌های سازگاری
- بازسازی ایگو
- یادآوری قابلیت‌های افراد
- الگوسازی شیوایی از ارتباط برقرار کردن
- حساسیت‌زدایی از ترس‌های افراد
- کاهش دادن مقاومت
- ارائه راه‌حلی برای مشکلات
- کمک به افراد برای شناخت خود
- مدیریت کردن روابط درمانی
- تنظیم و ساختارمند کردن مجدد مشکلات.

افرادی که به نحوی با کودکان سر و کار دارند، می‌توانند از این روش برای حل بعضی مسائل و مشکلات کودکان استفاده کنند. بهترین افرادی که می‌توانند از این روش استفاده کنند، مربیان، معلمان و مشاوران هستند.

کتاب‌هایی که برای کتاب‌درمانی انتخاب می‌شود، باید آگاهی کافی وجود داشته باشد؛ انتخاب کتاب‌های مناسب از نظر سن، جنس، زمینه فرهنگی و اقتصادی خانواده کودک بسیار حائز اهمیت است.

**منابع**

۱. روشن، آرتور. قصه‌گویی؛ چگونه از قصه برای کمک به کودکان در رفع مشکلات زندگی بهره ببریم. مترجمان: بهزاد یزدانی و مزگان عمادی، تهران، جوانه رشد، ۱۳۸۵.
۲. قزل‌ایاق، ثریا؛ ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، ۱۳۸۸.
۳. مفیدی، فرخنده و کریمی‌زاده، فرناز؛ کارگاه آموزش هوش هیجانی. تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۵.
4. Crawford, R, Brown, B. And Crawford, P. (2004). **Story telling in therapy**. Chi. The harn: Nelson Thornes. Ltd.
5. Sullivan, AK & Strang, HR (2002). **Bibliotherapy in the classroom: Using literature to promote the development of emotional intelligence**. Childhood Education, 79 (2), 74- 80.
6. Berns, CF (2004). Bibliotherapy: Using books to help bereaved children. OMEGA - Journal of Death and Dying, 48 (4), 321- 336.
7. <http://rbkc.gov.uk>
8. <http://en.wikipedia.org>
9. <http://ketabak.org>

**اهمیت تحلیل نقاشی کودکان:** با توجه به این که رشد کلامی و شناختی کودکان پیش دبستانی هنوز به مرحله‌ای نرسیده است که بتواند شناختی از کودک در اختیار ما قرار دهد، تحلیل نقاشی کودکان بهترین راه برای رسیدن به افکار، تمایلات کمبودها و عمق وجودی کودکانمان است. از این رو، باید تحلیلی بر مبنای پژوهش‌های انجام گرفته و معتبر ملاک کار قرار گیرد و از تفسیرهای خودسرانه و بدون پایه علمی به جد خودداری شود.

پژوهش‌های بسیاری در این زمینه انجام گرفته که نشان می‌دهد نقاشی امکان برون‌ریزی یا فرافکنی تمایلات سرکوفته در زمینه ناهشیار را فراهم می‌سازد. تجلی مسائل کودک در نقاشی شگفت‌انگیز نیست و می‌توان براساس تفسیر عنصرهایی که پیرامون موضوعی اصلی (رنگ، درخت یا...) به

تصویر کشیده می‌شود، راهی به سوی ناهشیار او گشود.

نقاشی کودک پیامی

دربردارد و او به

کمک آن‌چه

نمی‌تواند به

لفظ درآورد،

آن را به

ما انتقال

می‌دهد.





تقلیل می‌یابد و چیزی را می‌کشد که عملاً مرئی است.

### جنبه تحلیل نقاشی کودکان

در ارتباط با نقاشی کودکان ما با دیدگاه‌هایی متفاوت روبه‌رو هستیم. برای مثال، از دیدگاه اوبن نقاشی کودک یا بیانگر تصویر خود اوست یا آن چیزی است که خود را احساس می‌کند یا نشان‌دهنده چیزی است که می‌خواهد باشد یا تصویر چیزی است که نمی‌خواهد باشد یا بالاخره تصویری توجیه‌کننده است.

**سر:** سر را می‌توان جایگاه رمزی (من) تلقی کرد. سر بزرگ نشانه خوددوستداری، فزون‌گستردگی، منیت و تکبر اخلاقی و عقلی است. سر کوچک نیز نشان‌دهنده نازنده‌سازی خود یا وجود زمینه افسردگی است. ترسیم سر بدون چانه که مستقیماً به گردن وصل شده باشد نشان‌دهنده نوعی کندی روانی است.

**چشم:** چشمان بزرگ نشان‌دهنده برون‌گرایی و کنجکاوی، چشمان کوچک نشانه درون‌گرایی، و حذف آن‌ها نماد امتناع از دیدن است. دندان‌های نوک تیز غالباً نشان‌دهنده پرخاشگری کودک هستند و خنده‌هایی که دندان‌ها در آن نمایان می‌شود، دوسوگرایی عاطفی یعنی توأمان پرخاشگری محبت را در کودک نشان می‌دهد. **ناف:** نشانه وابستگی است. در کودکان بزرگ‌تر نشان‌دهنده دل‌مشغولی خوددوستدارانه یا ترس از شکست تلقی می‌شود. در کودکان وسواسی که فکر مرکزیت آن‌ها را به خود مشغول می‌دارد، غالباً ترسیم می‌شود.

### خورشید و ماه

در اغلب نقاشی‌های کودکان خورشید دیده می‌شود. خورشید نشانه امنیت، خوشحالی، گرما، قدرت و به قول روان‌شناسان، به معنی پدر است. وقتی رابطه کودک و پدر خوب است، کودک خورشید را در حال درخشیدن می‌کشد و وقتی رابطه آن دو مطلوب نیست، کودک خورشید را در پشت کوه ناپدید می‌کند.

ترس کودک از پدر به رنگ قرمز تند یا سیاه در نقاشی دیده می‌شود. البته ما با یک نقاشی به قضاوت نمی‌پردازیم، بلکه باید چندین نقاشی کودک را بررسی کرد. ماه نشانه نیستی است. اغلب کودکان ماه را کنار قبر و قبرستان می‌کشند. کودکان در نقاشی خود ماه را با مرگ معنی می‌بخشند.

با تفسیر و تحلیل نقاشی‌های ما می‌توانیم به رموز درونی کودکان پی ببریم یا کمبودهای روحی آنان را بشناسیم و در رفع آن اقدام کنیم. نقاشی کودکان تجسم نمادین واقعیات است؛ بیان مجردی است که با علامات رمزگونه نگاشته می‌شود و ترکیبی است از علامات و نحوه به کار بردن خط‌ها که پرده از رموز روح و خصوصیات روانی طرح برمی‌دارد. (وزیری مقدم، ۱۳۸۰). پرداختن به موضوعی پیش‌بینی‌شده به‌منظور بررسی عواطف درونی کودک مناسب نیست؛ زیرا کودک با داشتن آگاهی از مقاصد جست‌وجوگرانه آزمون‌گیرنده به پنهان‌سازی شخصیت خود روی می‌آورد. به همین دلیل، روش باده (واکنش‌های آبی) توصیه شده است.

**شفاف‌نگری در نقاشی کودکان:** کودکان نمی‌توانند غیرقابل رؤیت بودن چیزی را که اغلب در پشت یک شیء نزدیک‌تر قرار دارد، نشان دهند. برای مثال، کودکان در این مرحله ممکن است در نقاشی خود پای ناپیدای یک سوارکار را از پشت بدن اسب نشان دهند. پیشنهاد می‌شود به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات و برآورد مشکلات عاطفی - هیجانی کودک از روش‌های مستند و مطمئن‌تری نظیر مشاهده تعامل در بازی، مصاحبه حین نقاشی، اخذ شرح حال و گزارش منزل استفاده شود.

### تکامل نقاشی کودک در فرایند رشد از نظر پیازه

**از تولد تا یک سالگی:** جواب دادن به تحریکات، مداد را به دهان بردن، نوزاد هیچ نقشه‌ای نمی‌کشد.

**یک تا دو سالگی:** اولین خط‌خطی کردن‌های کج و معوج (نقاشی جنبشی<sup>۱</sup>): در نقاشی کودکان دو تا چهار ساله دایره‌ها به تدریج ظاهر و عنصر غالب در تصویر می‌شوند. سپس دایره‌ها از یک‌دیگر مجزا می‌شوند. کودک در دایره‌هایی که می‌کشد، شیء را مجسم می‌کند.

**۴ تا ۷ سالگی:** کودک مدلی خیالی می‌کشد نه آنچه واقعاً می‌بیند. چیزی را می‌کشد که فکر می‌کند باید باشد نه آنچه واقعاً هست. افراد را از پشت دیوار می‌کشد. در یک زمان فقط بر یک موضوع تمرکز دارد. در عمل بیشتر با احساس سروکار دارد نه با منطق. رنگ‌ها را طبق قانون پیدا نمی‌کند.

**۷ تا ۱۲ سالگی:** حقیقت‌گرایی دیداری و ذهنیت‌گرایی کودک

سعید شایگان دوست، کارشناس ارشد دوره پیش‌دبستانی

# تحلیل کاربردی نقاشی کودکان

## آسمان و زمین

آسمان به معنی الهام و پاکی و زمین به معنی ثبات و امنیت است. خردسالان هیچ وقت برای نشان دادن زمین خطی نمی کشند ولی در پنج یا شش سالگی که شروع به درک دلایل منطقی می کنند، به کشیدن زمین نیز می پردازند.

## درخت

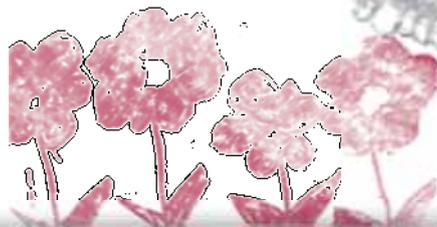
هر اندازه درختی که ترسیم می شود کوچک تر باشد، فرد خود را «کوچک تر می پندارد»؛ یعنی کم روست، به خود اعتماد ندارد و از تأیید خویش می هراسد. هم چنین، یک درخت بسیار کوچک نشانه وابستگی فرد است.

## چهره

همه صاحب نظرانی که به تفسیر نقاشی فرافکنی معتقدند، در این زمینه توافق نظر دارند که اندازه نقاشی از چهره انسان مهم ترین جنبه تغییر نقاشی است؛ زیرا انعکاس مستقیمی از عزت نفس نقاش است چهره های بلندتر از متوسط برای گروه سنی مربوط می تواند نشانه جنبه هایی از شخصیت از قبیل پرخاشگری یا خودبزرگ بینی باشد. نقاشی های ریز و بسیار کوتاه تر از متوسط می تواند حاکی از نارسایی، کهنتری، عزت نفس پایین، اضطراب یا افسردگی باشد. صورت چون بسیار اهمیت دارد، اغلب تنها کشیده می شود. کودکان پرخاشگر اجزای آن را به گونه ای اغراق آمیز بزرگ ترسیم می کنند. در حالی که کودکان خجالتی جزئیات را از نظر می اندازند و فقط گردی صورت را ترسیم می کنند و به ندرت صورتی را از نیم رخ می کشند.

## دست ها و بازوها

غالباً مطرح شده است که کشیدن دست ها و بازوان



بزرگ بیانگر قدرت و کنترل است. به عکس، ادعا می شود که حذف دست ها و بازوها بازتاب احساس فقدان قدرت و بی هوذگی و بی یاور بودن است. اما حذف دست ها و بازوها در نقاشی کودکان کمتر از پنج سال امری متداول است. نقاشی هایی از چهره انسان که در آن دست ها در جیب فرو رفته یا پشت سر قرار گرفته، بیانگر احساس گناه و اضطراب درباره کنترل محرک های ممنوعه است.

کودکان ضعیف و درون گرا اغلب برای آدم ها پا نمی گذارند یا آن ها را در حالت نشسته نقاشی می کند.

## بالاتنه

اگر باریک و لاغر کشیده شود، مشخص کننده این موضوع است که کودک از اندام خود ناراضی است یا از جاق شدن و بزرگ شدن می ترسد. در مواردی دیگر، بالاتنه لاغر ممکن است نشان دهنده ضعف جسمانی واقعی باشد.

پاها می توانند ناامنی، ترس یا احساس گناه را که توسط عوامل بیرونی برانگیخته می شود، منعکس کنند. دست ها و انگشتان در اکتشاف، عمل و جامعه خواهی مشارکت دارند و مانند پاها نقاط تماس بین بدن و محیط پیرامون تلقی می شوند. لباس های وصله دار و پاره نیز به منزله بخشی از این فرایند نارزنده سازی هستند و هنگامی که کودک شخصی را که معرف خود اوست بدین گونه ترسیم می کند، طغیان در برابر محیط و امتناع از پذیرفتن اصول اجتماعی را نشان می دهد. هم چنین، برهنگی به معنی تنبیه رمزی یا نماد تحقیر دیگری است و به معنی نارزنده سازی و کهنتر سازی شخص برهنه تلقی می شود. کودکان دچار بازداری و ترس معمولاً پاها را چسبیده به یکدیگر ترسیم می کنند، اما آن ها که از اعتماد به نفس برخوردارند، پاها را با فاصله از هم به تصویر می کشند.

## روانشناسی رنگ در نقاشی کودک

اگر کودک اشیایی را به رنگ هایی متفاوت از رنگ واقعی آن ها ترسیم کرد، در واقع، از نظر تطبیق رنگ واقعی شیء و رنگ نقاشی شده آن اشتباهاتی مرتکب شده است و مسئله چندان مهمی نیست؛ زیرا رنگ و انتخاب آن با نیروی ژرف عاطفی کودک مترادف است. در هر حال، رنگی که توسط نیروی روانی انتخاب شود، از نظر هنری از رنگی که کاملاً با حقیقت مطابقت می کند، پرارزش تر است. رنگ آمیزی صریح و زیبا نشان دهنده احساس ایمنی و کمال احساسات است. در حالی که رنگ آمیزی کدر، کثیف و مغشوش دو سوگرایی، پنهان کاری و تردید نقاش را برجسته می سازد و غالباً

تجزیه و تحلیل نقاشی کودکان فقط مورد توجه بزرگسالان است. هنگامی که کودک به وسیله تصویر نظرش را اظهار می کند، بسیاری از جنبه های شخصیت خویش را آشکار می سازد ولی او این کار را برای دل خوشی ما یا فراهم کردن امکان شناخت و بررسی روان شناختی نمی کند. آن چه برای او مهم است، بیرون ریختن تجربه های اندوخته شده ای است که نمایانگر وجود اوست و راهی برای نزدیک تر شدن به کودک است، مخصوصاً آنانی که به شیوه های مختلف با کودکان سروکار دارند.

#### پی نوشت

#### 1. Kiensthetic drawing

#### منابع

۱. فراری، آنا الیویر؛ نقاشی کودکان و مفاهیم آن، عبدالرضا صرافان، تهران، دیبا، ۱۳۷۹.
۲. کرمن، لویی؛ نقاشی کودکان، کاربرد تست ترسیم خانواده در کلینیک، منصور و دادستان، تهران، ژرف، ۱۳۷۱
۳. پورعلی خان؛ هانیه؛ دنیای اسرارآمیز رنگ ها، تهران، هزاران، ۱۳۸۰.

بیانگر وجود مسائل مقعدی است.

**قرمز:** به عمل و مردانگی است و به منزله پوشش محسوب می شود. گاهی نشان دهنده خشم و گاهی پرخاشگری است.

**آبی:** معرف حساسیت، دریافت پذیری، هیجان طلبی و درون سازی است و رنگی زنانه تلقی می شود که صلح، آرامش، سکون و در حد افراطی فعل پذیری و تسلیم را نشان می دهد.

**رنگ صورتی:** ملایمت، عطف، صلح، تعادل و توازن را نشان می دهد.

سفید بودن نقاشی به معنی رمزی بودن ممنوعات و قلمرو مسکوت گذاشته شده است. و به عکس آن، هنگامی که تمام نقاشی از رنگ پوشیده شده است، می توان فرض کرد آزمودنی به صورت تام و تمام تابع عوامل محیط و دارای واکنش های بلافاصله و لحظه ای است.

حتی نوع خطوط رنگ آمیزی می تواند نشان دهنده هیجانات کودک باشد؛ مثلاً خطوط درهم و برهم و کلاف گونه یا سیاه کردن چوب کبریتی به معنی آن است که

فرد از ناتوانی خود در پنهان کردن پرخاشگری توأم با اضطراب می هراسد.

با وجود این تعبیر،



# کودکان و زورگویی

دکتر پیمان خادمی



## چگونه اولیا و مربیان می توانند زورگویی را در مدرسه کاهش دهند؟

نویسنده: کن رگبی

مترجم: دکتر فرخنده مفیدی

ناشر: انجمن اولیا و مربیان (تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۷۱۱۶)

سال انتشار: تابستان ۱۳۹۱

تعداد صفحات: ۳۴۷

رگبی در فصول گوناگون کتاب خود، از حوادث و رویدادهای واقعی اجتماعی و طرح مسائل کودکان و نوجوانان در این زمینه سخن می گوید؛ حوادثی که مشابه آن‌ها در جامعه ما نیز بسیار به چشم می خورد. نویسنده ضمن بحث پیرامون رویدادهای اجتماعی یاد شده و تحلیل آن‌ها به زمینه‌های شکل‌گیری زورگویی و اعمال قلدرمآبانه می‌پردازد و هشدارهای لازم را به خانواده‌ها و مدارس می‌دهد. در حقیقت، والدین و مسئولان مدارس را برای پیشگیری و رویارویی با این اعمال ناشایست، غیرانسانی و غیرمنصفانه آماده می‌کند.

در بخش پایانی، با عنوان پیوست کتاب، راه‌های کمکی، دستورالعمل‌هایی برای رویارویی با زورگویی در مدرسه و محتوای برنامه‌های گوناگون مقابله‌ای در مدارس آمده است که همراه با معرفی سایت‌های اطلاعاتی غنی، زمینه کسب دانش افزون‌تر را برای خوانندگان پدید می‌آورد.

مترجم زورگویی را «سوء استفاده نظام‌مند از قدرت و روابط بین فردی» می‌داند و به این نکته اشاره می‌کند که از دیدگاه اسلام نیز خشونت جسمی و روحی یکی از عوامل تخریب شخصیت کودکان محسوب می‌شود و باید به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد.

اثر گران قدر «کودکان و زورگویی» پاسخ‌گوی نیاز والدین و دست‌اندرکاران تربیت است که آمادگی اندیشیدن درباره دشواری‌های مرتبط با آن را در خود می‌بینند. رگبی با این کتاب پلی استوار میان پدران، مادران و مربیان در زمینه پرورش کودک پدید می‌آورد.

این جانب محتوای این کتاب را بسیار غنی یافتیم و مطالعه آن را به همه معلمان، مدیران، پدران، مادران و دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی، روان‌شناسی و حقوق توصیه می‌کنم. امید است مطالعه این کتاب ارزنده در پیشگیری از سوءاستفاده از قدرت، رفع دشواری‌ها و نیز کاهش پرخاشگری در جامعه آموزشی و خانوادگی، مؤثر واقع شود.

مفهوم قلدری و زورگویی برای بسیاری از افراد واژه‌ای آشناست و افراد بسیاری نیز در عمل آن را تجربه کرده‌اند؛ یعنی خود زورگویی کرده‌اند، شاهد زورگویی بوده یا قربانی رفتار زورگویانه قرار گرفته‌اند. رفتار قلدرمآبانه، باج‌گیری،

شایعه‌پراکنی، مسخره کردن، غیبت کردن، هتاک و فحاشی، شوخی‌های عذاب‌آور و... از جمله رفتارهایی هستند که زیرمجموعه پدیده زورگویی قرار می‌گیرند. قلدری از هر نوع که باشد، پیامدها و عوارض آزاردهنده پایداری دارد که شناخت این پدیده و پرداختن به راه‌های پیشگیری، مقابله و درمان آن را ضروری می‌سازد. کتاب غنی و پر محتوای کودکان و زورگویی را کن رگبی استاد دانشگاه و پژوهشگری خستگی‌ناپذیر از کشور استرالیا با بهره‌گیری از منابع ارزشمند و صرف پانزده سال از عمر خود، به رشته تحریر درآورده است و خانم دکتر

فرخنده مفیدی، استاد دانشگاه علامه طباطبایی، آن را با رعایت امانت‌داری به فارسی برگردانده است.

کتاب حاوی دوازده فصل است که از ماهیت زورگویی و پژوهش‌های انجام شده پیرامون زورگویی در مدارس و مراقبت‌های والدین، رخدادهای زورگویی در مدرسه آغاز می‌شود و با موضوع‌هایی از قبیل فرزندپروری و رشد و پرورش سالم کودک و کمک والدین به کودکان دارای مشکل زورگویی و نیز اقدامات لازم از طریق مدارس در پاسخ به پدیده زورگویی ادامه می‌یابد و با طرح پاره‌ای از پرسش‌ها و پاسخ‌ها درباره پدیده زورگویی خاتمه پیدا می‌کند.

